

نشریهء مباحثوی

بسوی دموکراسی افغانی؟

تجسس نگرش ها در مورد دموکراسی سازی در افغانستان



انا لارسن

این نشریه توسط انستیتوت جامعه باز- افغانستان (FOSIA) تمویل گردیده است.

در مورد نویسنده

انا لارسن یکی از محققین بخش "دولت داری" در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان است که از سال ۱۳۸۳ بدینسو در افغانستان روی موضوعات دولت داری و جنسیت مصروف کار است. وی درجه ماستری در علوم اجتماعی رشته خشونت، منازعه، و توسعه از بخش آسیایی و افریقایی پوهنتون لندن را دارا است.

در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موسسه مستقل تحقیقاتی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه تحقیقات و پژوهش با کیفیت در عرصه های مختلف جهت اطلاع رسانی و آگهی دهی، و استفاده از آنها در تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون میباشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تقویت و ارتقا ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت برای تفکر و بحث، میکوشد تا فعالانه فرهنگ پژوهش و مطالعه را در این کشور ترویج دهد. این اداره سعی مینماید تا زمینه های بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی را در کشور فراهم سازد که متصور است باعث بهبود و پیشرفت فکری و ذهنی در ابعاد مختلف در زندگی افغانها میگردد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۱۳۸۱ خورشیدی با همکاری سازمان های امدادی که در این کشور فعالیت دارند تأسیس گردیده و اعضای هیئت مدیره آنرا نماینده گان مراجع تمویل کننده، سازمان ملل متحد، ادارات غیر دولتی و دیگر نهاد های که در امور مختلف در افغانستان مصروف فعالیت اند، تشکیل میدهد. این اداره، در حال حاضر، عمدتاً از جانب کشور های فنلند، ناروی، سویدن، سوئیس، و انگلستان تمویل مالی گردیده و موسساتی مثل انستیتوت جامعه باز افغانستان (OSIA)، بنیاد آسیایی (TAF)، کمیسیون اروپا (EC)، کمشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، صندوق وجهی ملل متحد برای کودکان (UNICEF)، صندوق انکشافی ملل متحد برای زنان (UNIFEM)، و بانک جهانی نیز بعضی از پروژه های مشخص این اداره را حمایت مالی می نمایند.

سپاسگذاری

میخواهم از آنانیکه وقت گرانبهای خویش را صرف اشتراک در این تحقیق نموده اند سپاسگذاری نموده و از گروه تحقیق متذکره هر یک: محترمین محمد آصف کریمی، محمد حسن وفایی و فرید احمد بیات؛ و خانم ها ناجیه حاجی زاده و پروین گیزی از همکاری های شایان شان در جمعآوری و تحلیل معلومات ابراز امتنان و سپاس نمایم. همچنان، مدیون دوستان منتقد و بازنگر خویش به خاطر نظریات و پیشنهادات معتبر شان؛ و مرهون آقای جی لیمی که نسخه انگلیسی این نشریه را تصحیح و آماده چاپ نموده است، هستم. و متعاقباً، از حمایت مداوم آقای مارتین وان بیجلیرت، ریپیکا رابرتس، و پاولا کانتور از آغاز تحقیق تا به حال، نیز، ابراز امتنان و سپاس مینمایم.

انا لارسن

سنبله ۱۳۸۸

© ۱۳۸۸، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله ی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد شده و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areas.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده ی که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areas@areas.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۹۳ بدست آید.

فهرست

۱. نظر اجمالی.....۴
۲. روش شناسی.....۵
۳. پس منظر.....۶
- ۱,۳. دموکراسی منحیث گرایش جهانی.....۶
- ۲,۳. دورنمای تاریخی تاسیسات دموکراتیک در افغانستان ۸
۴. تعبیرها، تشریحات ودرک ها از “ دموکراسی “ در افغانستان.....۱۱
- ۱,۴. دموکراسی چون “ آزادی “۱۱
- ۲,۴. دموکراسی اسلامی یا غربی.....۱۳
- ۳,۴. دموکراسی یکجا با امنیت و تطبیق قانون است.....۱۴
- ۴,۴. دموکراسی با کاهش فقر، انکشاف اقتصادی و مساوات ربط دارد.....۱۵
۵. تجارب از مراحل نشان داده شده.....۱۸
- ۱,۵. نمایش مراحل و محلات.....۱۸
- ۲,۵. نماینده گان : افراد و گروهها.....۲۰
- ۵,۳. نماینده گان که به صحنه خواهند آمد کی ها اند؟.....۲۳
۶. اختتامیه.....۲۵

۱. نظر اجمالی

بعد از سقوط رژیم طالبان در سال ۱۳۸۰ خورشیدی و آغاز همزمان پروسه بُن، افغانستان (با ورود تمویل کننده گان بین المللی) آغاز به پروسه تخنیک و سیاسی دموکراسی سازی کرد. این پروسه شامل اعاده نظام ریاست جمهوری در دستگاه دولتی؛ پارلمان مشتمل از مجلسین (مجلس نماینده گان و سنا)؛ شورا های ولایتی، و برگزاری دو دور انتخابات که یکی آن قبلاً پایان یافته و اکنون دیگری آغاز یافت؛ بوده است. فشار زیادی از جانب جامعه جهانی، مخصوصاً روی تنظیم مراحل آغازین و موجودیت این ارگانهای دموکراتیک، اعمال گردیده است؛ اما فراتر از این تلاش ها، (مخصوصاً در پیامد انتخابات سال ۱۳۸۸)، سؤال اینچنین باقی میماند که: برداشت افغانها در مورد دموکراسی چگونه است؟^۱

کلمه "دموکراسی" در افغانستان ماهیت ستیزه جویانه ی را به خود اختصاص داده و به شکل آزادی نا محدود اجتماعی در این کشور تعریف گردیده است. به علت وابسته گی سیستم سیاسی دموکراتیک کشور، با ارزش های آزادی خواهانه ی غرب، این واژه از جانب منتقدان و مخالفان روز افزون غرب تعبیر دگرگونی شده و معنی تنزلی و تحقیر آمیزی را میان مردم از آن خود نموده است. "دموکراسی" نه تنها به سبب نگرش های آزادی خواهانه ی غربی، بلکه به خاطر دستورالعمل روش دنیا گرایی یا سیکولاریزمی که توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان با پشتیبانی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۶۰ در افغانستان توسعه یافت، بطور گسترده ی با فساد و دنیاگرایی ربط داده میشود. اما برخلاف، به سبب ارتباط مستقیم آن با عقاید و اوامر دموکراسی اسلامی یا دموکراسی در چهارچوب قوانین و موازین اسلام، راهکار انتخاب دولت توسط رای مردم، مورد پذیرش مردم قرار گرفت. این واژه ها به گونه های متفاوتی تعبیر شده اند، اما تمایل بیشتر افغانها را جهت اشتراک در یک روند مردمی در دولت نشان میدهد.

در کنار سؤال تعریف دموکراسی، موضوع نگرش ها در مورد نماینده گی سیاسیون نیز مطرح است. بیشتر عدم رضایت در مورد کیفیت نماینده گی نماینده گان در پارلمان افغانستان و شورا های ولایتی وجود دارد که این امر، نارسایی اشخاصی که در قدرت هستند، و سیستم که آنها جزء آن هستند، پنداشته میشود؛ هرچند معیار های قضاوت بیشتر مردم بیشتر بر اساس توانایی های فزیک و شخصی، و چگونگی نماینده گی نماینده گان خود شان در پارلمان و شورا های ولایتی متکی است، تا اینکه بر اساس تحت فشار قرار دادن دولت برای در نظر گرفتن نقش و کلاهی شان در این مراجع، استوار باشد. بعلاوه آن، برای اکثریت پاسخدهنده گان در این مطالعه، بخصوص برای آنانیکه در مناطق روستایی زندگی دارند، نماینده گی واقعی عبارت از نشاندگی نگرانی ها و مشکلاتی است که مردم محل با آنها دست و گریبان اند و شخصی باید این مسئولیت را به عهده گرفته باشد که فهم و درک کامل از این معضلات داشته و درد مردم را احساس کند؛ و چنین شخص شخصی از میان مردم محل میتواند باشد. "نماینده گی واقعی" توسط شخصی که فهم و آشنایی کامل با مردم محل ندارد انجام یافته نمیتواند. در نهایت، بحث و نگرش غربی مبتنی بر انتخاب فردی در انتخابات زمانی تحت سؤال قرار میگیرد که در مناطق روستایی، نماینده گی کردن، به شکل گسترده ی بطور یک عملکرد جمعی پنداشته میشود.

این نشریه مباحثی، در مورد سه طرز نگرش در سه ولایت افغانستان در مورد دموکراسی و دموکراسی سازی را مورد بحث و پژوهش قرار میدهد.^۲ این نشریه، قبل از تمرکز روی دو ساحه مورد نظر (که در بر گیرنده تعاریف، نگرش ها و تفاسیر واژه دموکراسی، و تجربه فعلی پاسخدهنده گان از پروسه نماینده گی است)، معلومات مختصری را روی گذشته ی دموکراسی به شکل یک جهش جهانی، و مبدأ آن در افغانستان، ارائه میدارد. این نشریه زمینه های فوق الذکر را در ارتباط به، و با پسنگری به انتخابات سال ۱۳۸۸ خورشیدی مورد ارزیابی قرار میدهد. نشریه هدا، تأکیدات، نظریات، و یا راه حل های را در مورد تقویت دموکراسی سازی در افغانستان ارائه نمیدارد، اما بر آن است تا زمینه بحث و گفتگو روی معانی مختلف دموکراسی و آینده بالقوه برای دموکراسی افغانستان را مساعد سازد.

^۱ باوجودیکه مطالعه ی به زبان المانی که توسط کونراد ادینویتر ستیفنگ در سال ۱۳۸۲ تحت عنوان "دموکراسی و تغییر اجتماعی در افغانستان" نیز انجام یافته است، اما این سؤال بطور دقیق و ژرف در مطالعه انگلیسی، تحقیق و بررسی نگردیده است.

^۲ ولایات کابل، بلخ، و پروان

۲. روش شناسی

پنج موضوع مهم که هنگام خوانش این نشریه باید به خاطر داشته باشید:

۱. معلومات جمعآوری شده برای این نشریه از ولایات کابل، بلخ و پروان از ساحات روستایی و شهری، و در جریان شش ماه بدست آمده اند. تعداد ۶۹ مصاحبه کیفی (تفصیلی) نیمه ساختار با تعداد ۳۶ نفر بطور انفرادی، و با ۳۳ گروه آگاهان که در هر گروه ۳-۱۵ پاسخدهنده حضور داشت؛ و با تعدادی از مردان و زنان از قوم های مختلف و پسمنظرهای اجتماعی متفاوت، انجام یافت. مصاحبه شونده گان مشتمل از معلمین، دانش آموزان، علمای دین، نماینده گان جامعه مدنی، تجاران، سران محلی، و اعضای احزاب سیاسی بوده اند.
۲. بادر نظر داشت اینکه تمام این معلومات از ولایات مرکزی و شمالی که نسبتاً امن پنداشته میشوند جمعآوری گردیده است، یافته های آن نمیتواند بیانگر حال تمام افغانستان باشد. قرار است تحقیق دیگری به ادامه این یافته ها در ولایات شرقی و جنوبی افغانستان نیز اجراء گردد.
۳. بیشترین مصاحبه ها با اشخاصی انجام یافته اند که حد اقل تحصیلات ابتدایی داشته، و تعداد کمی از آنها بی سواد بوده اند، از اینرو، این مطالعه از بخش بسیار مهمی از نفوس افغانستان نماینده گی نداشته است. در حالیکه در طرح نمونه برداری تعداد مساوی مصاحبه شونده گان باسواد و بی سواد مد نظر گرفته شده بود، اما مسئولین گروه تحقیقی معمولاً با اجازه مسئولین دولتی برای مطالعه در جاهای راجع میشدند که پنداشته میشد بهترین جواب ها به سؤالات مطرح شده در این تحقیق دریافت گردد. به این محدوده در تحقیقات بعدی رسیدگی بعمل خواهد آمد. بنابراین، این نشریه قصد دارد نظریات مصاحبه شونده گان را به شکل نمونه های عقیدتی و یا نمونه های دیدگاهی محلاتی که این تحقیق در آنها انجام یافته است پیشکش نماید.
۴. مصاحبه ها آغاز از موضوع انتخابات گذشته و ختم نا مشخص موضوع سؤالات، به شکل سؤال و جواب غیر رسمی با افراد و گروه ها به منظور بیان تجربیات واقعی آنها انجام یافته اند. از پرسش سؤالات مقدم و عمده جلوگیری بعمل آمد. در مناطق روستایی معمولاً کلمه دموکراسی به سبب ماهیت و برداشت های مربوط به این واژه در آن نواحی، به طور واضح و مستقیم در سؤالات مطرح نمیشود. گروه تحقیقی این مطالعه در حالاتی، منتظر ماندند تا خود مصاحبه شونده از این واژه یادآوری نماید؛ و در حالاتی هم با استفاده از عباراتی مثل "انتخاب نماینده ها" و یا "سیستم دولتی" در مورد این موضوع تفحص نمودند. طریقی که کلمه دموکراسی در مصاحبه های مصاحبه شونده گان مورد استفاده قرار گرفته بود، یادداشت گردیدند.
۵. پیبرد به چگونگی نگرش ها در مورد دموکراسی به سبب اینکه نظریه های مردم در قبال مفهوم و تعریف این واژه تغییر پذیر است، مشکل بنظر میرسد. این موضوع زمانی واضح گردید که مصاحبه شونده گان اولی، برای بار دوم مصاحبه شدند و نگرش ها و دیدگاه های مختلفی را ارائه نمودند. تحلیل و ارزیابی انجام یافته در این نشریه نشانده بعضی از نظریات و موضوعات مشترک و عام از میان نظریات و دیدگاه های مختلف و متنوع، ارائه گردیده است.

۳ پس منظر

۱،۳ دموکراسی منحیث گرایش جهانی

دموکراسی و سیاست های دموکراسی یک موضوع بوده که از دیرزمان این اصطلاح مورد استفاده قرار داشته ضرورت به تحقیق و جستجو علمی دارد.^۳ نظریه قلت وقت و زمان نمیتوان این مبحث را به طور وسیع تعقیب نمائیم. کلید برای وضاحت و تحلیل از ادراک دموکراسی و دموکراسی سازی در افغانستان و واژه های آن به بیان مختصر درین نشریه تذکر داده شده است.

حقیقتاً «درین طرز، اداره توسط مردم صورت گرفته^۴ سخن و مقوله مشهور است که «حکومت مردم توسط مردم برای مردم» دموکراسی در حالت ابتدایی اش دلالت می کند به سیستم سیاسی که در آن توده های مردم اشتراک کرده و به این طریق رای خود را داده تا حکومت مورد پسند شان را انتخاب نمایند. این تعبیر و تشریح بنیادی می تواند توسعه بیابد و حتی راه را به رای دهی انتخابات آزاد و مناسب جهانی بگشاید.^۵ درین نشریه اصطلاح دموکراسی بدین معنی است تا یک مدل دموکراسی که دلالت کند به اشتراک و سهم سیاست ها که پیروی از دموکراسی های منتشره و نافذ موجود نماید.

در اصطلاح عام، دموکراسی جهت اظهار کردن ارزشهای آزاد همچو آزادی بیان، آزادی دین و عقیده، جدا نمودن مذهب از دولت، حقوق دارایی، تطبیق نمودن قانون و تساوی حقوق زن و مرد می باشد.^۶ این ارزشها اغلباً بصورت یک بسته و مجموعه مبهم و نامعلوم در قالب حقوق انسانی در آمده که در ذات خود به شکل قوی همراهی دموکراسی متحد و یکجا شده است.^۷ صاحب نظر سیاسی فرید زکریا استدلال می کند که این نوع شکل نامرئی دموکراسی به رهبریت این حقوق و ارزشها اصول اساسی آزادی خواهی می باشد. اگر کشوری انتخاباتی رقابتی، چندین حزبی و گروهی را برگزار کند آنرا انتخابات دموکراتیک می نامیم. در واقعیت امر انتخابات باید آزاد و مناسب بوده که همچو پروسه ضرورت به بعضی از مصونیت ها و حفاظت ها جهت آزادی بیان و قانون گذاری دارد. اگر اندکی در عقب این تعریف برویم و کشوری را نشان دهی کنیم که تنها به دموکراسی اعتقاد دارد و یک لست قابل فهم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی را تضمین نموده و این کلمه را جامه عمل بیوشان نسبت به اینکه در گفتار و تشریح آنرا بیان کند.^۸ در عده زیادی از واقعات تازه و جدید که توسط حماس در سال ۲۰۰۶ در فلسطین ذریعه گروه ها و رهبران که بطور آزادانه انتخاب و به قدرت رسید آنرا پروسه آزاد عنوان نکرده و نخواهد کرد. که تا هنوز آن حکومت و رهبری ملی پابرجا بوده و در سبیره قانونی و مشروع و به شیوه دموکراتیک دوام دارد.

موضوع کلیدی در اینجا طوریکه توسط زکریا و دیگران اشاره گردید در حالیکه گرایش جهانی برای عملی شدن دموکراسی در حال به وقوع پیوستن است. کشورهای که خواستار دموکراسی شدن است می توانند در احساس و درک عمومی جهت داشتن یک سیستم ابتدائی سیاسی که دموکراسی آنرا پیشکش می کند اشتراک ورزند. بدون ضرورت عین درک تمنا و تعهد بسوی ارزشها و حقوق که تاسیس شده از جانب دموکراسی غربی و آزاد که از اعتبار خاصی برخوردار است. البته اینها سهیم خواهند شدند در بعضی از این ارزشها که این کار قابل قبول و پذیرش نمی باشد. پیشتر از اینها ارزشهای از خود شان را افزود خواهند نمودند (مانند کشور تایلند که باروشهای تشریحی و وضع شده علیه نظام شاهی^۹) که این کار معین و مشخص است و عملی می گردد توسط گروهی که در قدرت

^۳ دموکراسی برای بار اول در حدود پنج قرن قبل از میلاد مسیح در عده از شهرها و ایالت یونان باستان به میان آمد که دلالت به سیستم آزادی میکند. برای تحلیل دموکراسی در مورد موسسین در یونان ملاحظه فرمائید (کرت A، رافلا، جوسپاه اوپروبر ابرت آ، ووالس اینها کسانی اند که بنا کننده گان دموکراسی در یونان باستان اند). بار کیلی، لاس انجلس و لندن: چاپ ۲۰۰۷ پوهنتون کالیفورنیا) با وجود که اصطلاح دموکراسی در یونان باستان به میان آمد ولی گروهی که مصمم بود وریشه های دموکراسی را کشف نمود در حدود ۲۰۰۰ هزار سال قبل در اکثر حصص آسیا ظهور کرد. ملاحظه فرمائید (اثر جان کین، حیات و مرگ دموکراسی، لندن، سیمون و کوستر، ۲۰۰۹)

^۴ دموکراسی از یونان یا «مردم»

^۵ ابراهیم لنگولن «کیتیزبورگ آدرس»

^۶ فرید زکریا، «افزایش دموکراسی تعصب آمیز یا تنگ نظرانه» طوریکه پال کولیر همچنان خاطر نشان ساخته است «انتخابات که آزاد و مناسب نباشد دموکراسی را بوجود نمی آورد. مگر به حالت صرفاً» انتخابات برای انتخابات پا برجا می ماند. و اثر پال کولیر بنام اسلحه و رای دهی: دموکراسی در محلات پرخطر (لندن بودلی هاید، ۲۰۰۹، ۱۵).

^۷ تونی ایوانس، اگر دموکراسی، پس حقوق بشر چه؟ در جهان سوم ربع ۲۲، نمبر ۴ (۲۰۰۱): ۶۲۳-۶۴۲.

^۸ قانون خیانت علیه حکومت تایلند بخاطر بی حرمتی به شاه مدت ۱۵ سال حبس را اختصاص داده، برای وقایع تازه و اخیر مراجعه کنید به:

at <http://www.reuters.com/article/2009-August-28>, Kittipong Soonprasert and Darren Schuetler, "FACTBOX: Lese-majeste cases in Thailand," Reuters worldNews/idUSTRE57R0MT20090828. However, enforced reverence is not prescribed in the Constitution: <http://www.thaiembdc.org/GenInfo/monarchy/ThaiMonarchy.aspx>

^۹ R. Luckham, A-M. Goetz and M. Kaldor, "Democratic Institutions and Democratic Politics," in S. Bastian and R Luckham, eds., Can Democracy be Designed? (London: Zed Books, 2003).

^{۱۰} توماس رتینگ واضح می سازد نقش کلیدی امریکا و ملل متحد را مبنی بر اینکه تخصیص دادن پست های افزون به تعینات مرکزی در لویه جرگه اضطراری، که این در تضاد با قانون که توسط کمیسیون مستقل لویه جرگه نافذ است واقع گردیده است. توماس رتینگ، «اسلام گراها، چپ گراها و بی طرف ها که در مرکزیت واقع اند». گروه های سیاسی افغانستان و از کجا سرچشمه و منشأ گرفته (۱۹۰۲-۲۰۰۶) (کابل: کنراد آدینار ستیفنتگ، ۲۰۰۶)، ۳۶ بطور کامل از آدرس ذیل بدست آورید:

. (2008 August 8 <http://www.swp-berlin.org/en/forschungsgruppen.php?id=79&page=7&PHPESSID=3c53935ba6d00923fff865bdeb7d3f9e>) accessed

است و یا خارج از قدرت. خصوصاً در افغانستان این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است هنگامی که دموکراسی درین عرصه در نظر و مورد توجه گرفته می شود. که در آن یک مرجع واضح و صاف موجود است برای سیاست های دموکراتیک که این خود باعث خروج از بعضی ارزشهای غربی و سکیولار خواهد شد. مگر شامل نمودن نوع دموکراسی که نه تنها برای اسلام مختص باشد بلکه برای افغانستان هم کارا بوده و متفاوت از دیگر کشورهای اسلامی باشد

واژه واصطلاح دموکراسی سازی قابلیت اینرا دارد که مختصراً توضیح و تشریح گردد. درین نشریه این موضوع مورد استفاده قرار داده شده تا نشان دهد مراحلی که توسط کشور و یا حکومت آغاز گردیده، جاگزین و متبادل شده به معنی حکومت داری (رژیمهای خود مختار و رژیم های کاملاً" تحت سلطه دولت بطور مثال) و یا تضاد و برخورد تمدن ها به طرف سیاست های دموکراسی. که این بسیاری اوقات مشتمل بر تاسیس و ایجاد موسسات آزاد، که احتوا کننده بوده نه محدود کننده به انتخابات آزاد و مناسب، یک شورای ملی، ساختارهای حکومت داری محلی و روش های دیگری که بتواند شهروندان را به دولت ارتباط دهد مانند گروه های سیاسی. موجودیت همچون تاسیسات به تنهایی خود نمیتواند سیاست های دموکراتیک^{۱۱} را شکل داده و به میان بیاورد. مگر مراحل ترقی و پیشرفت درین عرصه اجراءات و عمل کرد خود اینها بوده که جز مرکزی و هستوی دموکراسی سازی می باشد.

بهر حال درین تعریف و تعبیر از دموکراسی کاستی ها و نواقص موجود اند. که نخست این کاستی ها ی سیاست های دموکراتیک می باشد که به تنهایی خود هدف نهایی و محسوس نبوده، سوال درینجا است که دموکراسی بعضی از پروسیجرهای (طرز العمل) سیاسی که در تاسیس دموکراسی به شکل (متحد و یکجا که در امریکا مروج است بطور نمونه و یا مدل که در بریتانیا و یا در بسیاری کشورهای دیگری اروپایی که صدراعظم توسط رای دهی اهم از طرف یک جناح انتخاب می گردد). دموکراسی به ذات خود یک میتود خاص و منحصر نبوده بلکه بشکل پی هم به اشکال در عرصه های مختلف ترقی و نمو نموده، که این مراحل را کشورهای که در حالی دموکراسی شدن است از مدل و نمونه های دموکراسی غربی پیروی و الهام گرفته و با آن هم چشمی و رقابت میکند. کاستی و نقیصه دومی اینست که بسیاری کشورها به شمول افغانستان و به طور ویژه آن قسمتهای (سامپول هانگ تنگ تنموج سوم دموکراسی سازی) ۱۲ و ادار کردن به دموکراسی ساختن اکثر از طرف کشورهای بیرون آمده و تحمیل می گردد. بنام کمک کننده ها و پذیرش شرایط مالی آنها ظاهراً" به شکل یک مجموعه از اصطلاح سیاسی مثل حکومت داری خوب، که درین حالت پروسه به پیمان و وسیع از دیدگاه و ادراک دونهها در مورد اینکه دموکراسی چه باید باشد تعیین می گردد ازینرو اصرار بالای ارزشهای آزاد همانند حکومت داری درست، تساوی جنسیت و خصوصی سازی بطور نمونه یاد آور می شویم در عده از دولتها ی دموکراتیزه شده روزنامه ها و اوراق ستراتیژی کاهش فقر موجود است. در افغانستان به اثر مدخله دونهها تعریف برای دموکراسی و مراحل دموکراتیزه شدن مهم بوده و شکل گرفتن آن به زمان زیاد نیاز دارد. ستراتیژی ملی انکشافی افغانستان) از زمان آغاز پروسه بن دست آوردهای بیرونی آن هویدا و آشکار شد. بطور مثال در انتخاب سیستم جمهوری برای حکومت، وسیت های که برای طبقه زنان در پارلمان تخصیص یافته اند، و در نهایت امر مشخص کردن بازیگران و افرادی که تصوری شود شایسته و سزاوار است تا درین مباحث و مسایل اشتراک ورزند.^{۱۳}

این بیشتر از گنجایش این رساله است تا در مورد ارزشها و کمبودی ها شرایط دونهها و مصارف در همچو مراحل مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. در حالیکه نارضایتی وسیع از مداخلت جامعه جهانی در افغانستان در حال افزایش بوده، که این موضوع از نظر هر دو افغانستان و دونهها به نقطه اوج و بحرانی رسیده که ازین نقطه پروژه دموکراسی سازی به پیش خواهد رفت. درینجا سوال پیدامی شود که اگر قرار است دموکراسی در افغانستان نهادینه شود، نباید ارزش ها و مفاهیمی که با آن ملحق اند، بیشتر توسط شهروندان خود این کشور، تعریف شوند؟^{۱۴} این دموکراسی باید از بیرون بالای افغانها عملی نگردد بلکه توسط خود مردم این کشور به پیش برود. طوری که در دیگر نقاط جهان بطور آشکار یک نظر واحد موجود نیست پس دموکراسی افغانستان چطور باید شکل و ساخته شود. درینجا موضوعات معین ازین بحث ظاهر شد که به تحقیقات بیشتر عاجل به عده از نظریات عامه ضرورت است.

۱۱ موضوع یاد شده در فوق باعث بروز تضاد با ارزشهای کشورهای دنیوی کشورهای گیرنده می گردد. و یک تناقض را در دموکراسی رونما کرده جائیکه بازیگران سیاسی غیر دولتی با آنیکه در قیومیت قانون زندگی دارند درجه گیری واقع میشوند. طوری که ما شاهد این نوع تناقض که درین اواخر در افغانستان رخ داد و آن اینکه بحث و گفتگو در مورد قانون ذاتیه شیعیان بود. ملاحظه فرمائید:

(closer look: the policy and Lawmaking Process Behind the Shia Personal Status Law") (Kabul: AREU, Forthcoming in September 2009)

۱۲ تفاوت این اصطلاح توسط جان کین در نوشته حیات و مرگ دموکراسی ساخته شده است. مگر نه در ارتباط به محاط کردن افغانستان. خصوصاً" راجع به افغانستان لوئیس دپری در ارتباط به جرگه ها به نظری می رسد (تاسیسات دشوار ولی آماده شده دموکراتیک) به نظریه لوئیس دپری "افغانستان گام های آهسته به سوی دموکراسی بر میدارد."

انکساکتس به مقابل رای گیری در شاروالی کابل "2: (1963) American Universities Field Staff Inc., South Asia Series 7, No.1 (Afghanistan)

۱۳ بعضی از مذاکرات و گفتگوها در مورد موجودیت و زمان پیدایش این انستیتیوت ها جریوت می کند. مگر هر سه نوع انستیتیوت ها نامبرده در قرن های بیست و بیست و یک مورد استفاده قرار گرفته اند. و ممکن قبل ازین هم مورد استفاده قرار داشته است. ملاحظه فرمائید: نظریه اولیسن "اسلام و سیاست در افغانستان" و نظریه لوئیس دپری "افغانستان گام های آهسته به سوی دموکراسی بر میدارد."

۱۴ جهت معلومات بیشتر درین موضوع ملاحظه فرمائید: October 2009 (Noah Coburn and Anna Larson's forthcoming AREU post-election analyses discussion paper)

۲,۳ دورنمای تاریخی تاسیسات دموکراتیک در افغانستان^{۱۵}

هنگامیکه انکشاف تاسیسات دموکراسی در افغانستان مورد توجه گرفته می شود، در قدم نخست باید تفاوت موقتی بین تاسیسات عصری و مدرن مانند دموکراسیهای انتخابی جهانی، پارلمان های منتخب و دموکراسی های که به نوعیت شورا بنا یافته که همچو افراد منتخب برای تصامیم به سطح محلی و جهانی^{۱۶} که این نوع دوم دموکراسی مشتمل بر جرگه ها، شورا ها و لویه جرگه ها می باشد. که مدت زمان طولانی در روشهای حکومت داری در افغانستان از آن استفاده بعمل می آید.^{۱۷} قسم یاد شده بطور کامل و به مفهوم پوره دموکراسی نبوده (واعضای منتخب آن توسط آرای عامه مردم انتخاب نگردیده) و تا هنوز بحث روی این مراحل در جریان است تا حوایج گروههای مورد علاقه مختلف در جامعه که زنده گی می کنند در نظر گیرند. بهر حال این نکته قابل توجه است که تفاوت ها میان "شوراها" و تاسیسات نماینده در بعضی از مواقع در قرن اخیر با هم در تصادم و برخورد واقع گردیده اند که این کشمکشها احتواکننده اصطلاحات زمان امان الله خان در سالیان (۱۹۱۹-۱۹۲۹) و سالهای (۱۹۲۰) بود. همچنان درین اواخر سران جامعه برای ذخیره کردن آرا از جوامع خویش جهت بدست آوردن کرسی های زیاد داشتن نماینده های کثیر عمل مشابهی را انجام دادند.^{۱۸} اگرچه نقطه کلیدی تا با آن اصرار و رزیم اینست تا بنیاد برای بعضی از اشکال حکومت داری دموکراتیک موجود باشد. این در حالیکه که نماینده گی از شکل عصری نموده حتی در گذشته ها قبل از اصلاحات دوره امان الله خان نیز موجود بود.

ریشه از همچو ساختارهای نماینده دموکراتیک در افغانستان از پالیسهای عصری سازی دوران امان الله خان سرچشمه می گیرد. او کسی بود که برای بار اول کار قصر دارالامان را براه انداخت و می خواست که پارلمان منتخب افغانستان را در آن جادهد.^{۱۹} اگرچه خودش قبل از تاسیس آن از سمت اش معزول گردید. کنار رفتن محافظه کارانه و سیاسی وی و همچنان اصلاحات آزاد وی که با مداخله انگلیسها مرکب بود زمینه رافراهم ساخت تا این اصلاحات که مشتمل با انفاذ و وضع نمودن قانون اساسی و تاسیس یک شورا به سویه دولت، که همه این اصلاحات راه را برای تشکیل مجلس تحت قیادت محمد نادر شاه خان در سال ۱۹۳۲ هموار نمود.^{۲۰} که این مجلس از هر دو نوع کرسیهای انتخابی و انتصابی برخوردار بود.

در سالیان ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ فعالیتهای سیاسی در میان گروههای نخبه وزیده سیاسی مرتب و منظم گردید که این کار توسط یک جناح که خود را گروه سیاسی مینامید به وجود آمد.^{۲۱} ظاهر خان که بعد از درگذشت پدرش در سال ۱۹۳۳ به تخت سلطنت نشست و در سال ۱۹۴۹ توافق نمود تا به راه اندازی انتخابات و از آن طریق پارلمان آزاد جدید^{۲۲} را تاسیس نماید. دروازه بسوی مخالفین برای بار نخست به سرکردگی صدراعظم شاه محمود خان گشوده شد. این تجربه انتخابات آزاد بعد از چهار سال در نتیجه عقب رفتن حکومت از پالیسی های آزاد سازی و بدست آوردن قدرت و قوت توسط گروههای مخالف به ناکامی انجامیده و به پایان رسید.

در سال ۱۹۵۳ در اثر یک کودتای داخلی داود خان شاه محمود خان از پست اش کنار زده شد. در همین دهه که جریان داشت عصری سازی سیاسی بطور عموم در معرض اجراء گذاشته شد که از آن جمله دستر آوردهای که در مدت زمان پالیسی های اجتماعی - اقتصادی و تعلیمی که این کارسوق دهی برای قوی ساختن دسته های متوسط بود. در سال ۱۹۶۴ ضروری پنداشته شد تا اینها خواستهها و تقاضاهای خویش را جهت اصلاح سیاسی وفق داده و یکجا سازد. که در اثر تحریک و وادار ساختن ظاهر شاه قانون اساسی جدید ساخته و افتتاح شد و این کار سبب شد تا یک پارلمان آزادانه منتخب برقرار شود. انتخابات در سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۹ منحنی بخش از دوره ظاهر شاه (دموکراسی جدید ۱۹۶۴-۱۹۷۳) دایر گردید.

در سال ۱۹۷۳ صدراعظم داود خان در اثر یک کودتا رژیم سلطنتی ظاهر شاه را واژگون نمود و در عوض آن نظام جمهوری را جانشین نمود، و قانون اساسی سال ۱۹۶۴ ظاهر خان را منسوخ کرد و در سال ۱۹۷۶ لویه جرگه را دعوت نمود تا که قانون اساسی جدید را توشیح و نافذ نماید. که متشکل از هیات تعیین شده بودند و به مشوره و تدبیر دو جناح به حاشیه زده شدند. در حاشیه گذاشتن گروه ها باعث افزایش مقاومت ها از سوی جناح های اسلام گرا گردید و این عمل آنها سبب شد تا پروسه آزادی خواهی سال ۱۹۷۸ زمان داود خان را بیشتر تضعیف نماید. و عامل دیگر آن مداخله شوروی وقت در سال ۱۹۷۹ بود. و دهه که تحت قیادت ببرک کارمل و نجیب الله به ترتیب یکی پی دیگر گردیده شود اندک آزادی سیاسی و انتخابات که در سال ۱۹۸۸ دایر گردید. و بطور عموم عدم رضایت گروه های مخالف دوام پیدا کرد، هر دو جناح خلق و پرچم در دوران قدرت شان بطور مسلسل از قوت کار می گرفتند و در مقابل این عدم رضایت از طرق مختلف استفاده میکردند.

۱۵ انتخابات توسط صدراعظم شاه محمود خان زمینه سازی و تحریک شد و به سوی روشنفکران که در روستا ها بودند سوق داده شد تا باعث آزادی مطبوعات و دیگر اصلاحات آزادی بخش سیاسی شد. که ازینرو نام (پارلمان آزاد مسمی گردید) Oleson, Islam and Politics in Afghanistan, 2002

۱۶ William Maley and Fazel Haq Saikal (eds.), Political Order in Post-Communist Afghanistan (Boulder and London: Lynne Rienner, 1992), 15

۱۷ بعضی مباحثات موجود است که جناحهای خلق و پرچم رهبریت و اداره را بدست خویش گرفتند و پلان سرنگونی را قالب ریزی کردند که در عین حال هر دو جناح عین پلان را داشتند.

۱۸ Rutting, "Islamists, Leftists and a Void in the center," 14

۱۹ Rutting, "Islamists, Leftists and a Void in the center", 13-14.

۲۰ Kandiyoti, the Politics of Gender and Reconstruction in Afghanistan, writer on this issue in terms of successive conservative reactions to liberal reforms .promoting women's rights over the last century

۲۱ بطور قابل ملاحظه ای، قانون جدید اساسی شباهت در بعضی از مواد با قانون اساسی سال ۱۹۶۴ دارد.

۲۲ مطابق به احصائیه که توسط انستیتوت جهانی دموکراسی و مساعدت جهانی صورت گرفته و نتیجه آن در حدود ۸۳.۷% است. با وجودیکه احصائیه دقیق در مورد نفوس افغانستان در دست نیست این اصل تنها یک تخمین است. (Afghanistan Country View" (IDEA, 2008), http://www.idea.int/vt/country_view.ctm?countryCode=Af (accessed 5 August 2009)

در حالیکه نجیب الله به تشکیل سیستم تقریباً "چند حزبی در سالهای ۱۹۸۰ دست یازید. وی به حمایت عامه نیاز داشت و درین راستا تلاش های را به خرج داد، و یکی از جناح های چپ گرابود که قدرت داشت وهم در صحنه فعال بود. نمونه سوسیالستی و خطابه چپ گراها در زمان حکومت وی تصویب گردید. تمرکز آن بالای تساوی حقوق و عرضه خدمات حکومتی تا هنوز بسیار اندک از دیدگاه عامه منعکس شده و چه را دموکراسی به ارمغان باید آورد.

بعد از رژیم نجیب الله^(۲) در اوایل دهه نود قدرت بدست مجاهدین افتید و جنگ های داخلی و گروهی شعله ور شد، که بعداً "قدرت بدست طالبان قرار گرفت، و سپس در بین سالهای ۱۹۱۹ و ۲۰۰۱ تعداد از تلاش های به منظور ساختن قانون اساسی و انتخابات به خرج داده شد تا این قوانین بنا گردیدند.

در حصره کوشش ها برای عصری سازی سیاست افغانستان، آنان توسط افزایش شورشها، قیام ها و به شکل آشکار رقابت های غیر دموکراتیک بخاطر بدست آوردن قدرت دست زدند؛ و طی مراحل مختلف در باطل ساختن این پروسه دموکراتیک کار نمودند. این کار اغلباً "از کنار زدن بازیگران، استفاده از وسایل خشونت تا در مقابل مخالفان با آن مبارزه شود و در حقیقت مداخلات خارجی باعث کندی این پروسه شد.

تنها دوران که طرفدار دموکراسی میتوان از آن نام برد میان سالیان ۱۹۶۵ و ۱۹۷۳ است. با وجودیکه نمونه از تلاشهای متواتر سران همچو (امان الله خان، ظاهر شاه، داود و نجیب الله) در دست است که ظاهری سازد اینکه آغاز باشد برای عصری سازی سیاست افغانستان اگر چه پالیسی های این سران کاملاً "برینا دموکراسی طبیعی استوار نیست.

در سال ۲۰۰۱ پروسه بن به میان آمد. که این پروسه در برگیرنده نفاذ قانون اساسی که از طریق لویه جرگه تصویب شد، و طرح مدت زمان انتخاباتی که در آن زمینه برای انتخابات عمومی هموار گردید و برای بار اول رئیس جمهور کشور در سال ۲۰۰۴ تعیین شد. دوباره تاسیس شدن شورای ملی و شوراهای ولایتی از طریق رای گیری در سال ۲۰۰۵، دموکراسی جدید نماینده افغانستان و کم از کم طرح ساختارهای دموکراتیک و سهولت آوردن در تشکیل همچو ساختارها، تحت هدایت، رهنمود و مساعدت مالی جامعه جهانی انجام پذیرفت.

مباحثات درین مورد، باعث نگرانی زیاد گردید که چرا افغانستان فوراً "زمینه ساز برخورد و تصادم گردید که عامل این کار میزان بلند بیسوادی و نمونه اندک از شیوه انتخابات جهانی در تشکیل رای دهی به سطح ملی، انتخابات بسیار به زودی ترتیب گردید، و مطابقت داشتن این گفتگوها با دیگر مباحثات عمومی که آیا کشور چه وقت و تحت کدام شرایط آماده پذیرش مرحله دموکراسی سازی است. در آنوقت پروسه رای دهی به ریاست جمهوری توسط افغان ها منحیث یگانه سمبول تحول و تغییر پذیرفته و استقبال گردید. بدیختانه باید بگویم که در سال ۲۰۰۵ طی سروی های پیشبینی مردم از سیستم حکومت داری موجود و خود حکومت در افغانستان در حدود ۸۰٪ کاهش یافته، درین رساله نوعیت دموکراسی که افغانها از آن درک و فهم دارند باید بوجود بیاید و سیستم جدید دموکراسی توسط آنها که همراهی شان مصاحبه صورت گرفته پیش کش شده است.

تاریخچه انتخابات در افغانستان

۱۹۳۱: قانون اساسی که توسط نادر شاه ایجاد شد که در آن اجازه برای شورای ملی، قانون تصویب شد که از طریق آن لویه جرگه بعد از هر سه سال دعوت شود که نماینده گی از تمام اقشار جامعه را نماید به استثنای زنان که شریعت با آنان اجازه نمی داد.

۱۹۳۲: ساختن نخستین قانون مجلسین شورای ملی.

۱۹۳۳: نادر شاه به قتل رسید و جانشین اش ظاهر شاه گردید.

۱۹۴۰: درین سالها گروهی از جوانان افغان به صحنه سیاسی کشانده شد برای اصلاحات سیاسی، که اصلاحات مذکور عبارتند از: انتخابات به شورای ملی و کنترل بیشتر پارلمانی بالای امور حکومتی.

۱۹۴۹: نخستین انتخابات نسبتاً "آزاد (تحت اندک کنترل) برای شورای ملی تحت قیادت شاه محمود خان، پارلمان آزاد ساخته و در آن به گروهی مخالف حکومت اجازه فعالیت داده شد. قانون آزادی مطبوعات تصویب شد. که این دور برمی گردد به آزادی سیاسی که به آزمون گرفته و تجربه گردید.

۱۹۵۲: دور دوم انتخابات به نسبت دور اول آنقدر بازنمود که عامل آن قوی شدن جناح های مخالف حکومت و منتقدین بود که شروع به اختیار دادن و جواز دادن به مخالفین شد.

۱۹۵۳: در اثر یک کودتای داخلی داود خان شاه محمود خان را از سمت صدراعظمی کنار زد البته این در حالی بود که فشارهای گروهی مخالف بالای

حکومت به حالت وخامت رسیده بود.

۱۹۵۳-۱۹۶۳: اصلاحات اجتماعی اقتصادی و تاکید بالای تعلیم و تربیه و سوق دادن قشر متوسط به سوی ترقی و تعالی که ازین جمله اصلاحات کابل در سال ۱۹۶۳ شاهد انتخابات شاروالی بود.

۱۹۶۴: قانون اساسی جدید رسماً "انتخابات آزاد، پارلمان دارای قانونین و نوع دموکراسی جهانی را که در آن به زنان حق رای دادن محفوظ بود توشیح کرد.

۱۹۶۵: انتخابات

۱۹۶۶: انتخابات

۱۹۷۳: داود خان رژیم سلطنتی را واژگون ساخت و درعوض حکومت جمهوری را در افغانستان تاسیس کرد. و تا سال ۱۹۷۷ کشور فاقد پارلمان بود که با عدم رضایت کامل جناحهای مخالف واقع شد.

۱۹۷۷: قانون اساسی که متشکل از اصول اسلامی و سوسیالیستی بود، بسیاری قدرت های پارلمان وقوه قضایه و عدلیه را در حاشیه گذاشت که به سبب این کار دولت یک حزبی به میان آمد.

۱۹۷۸: انقلاب ثور واقع شد داودخان با فامیل اش به قتل رسید. و ترکی به اریکه قدرت تکیه زد.

۱۹۷۹: تجاوز شوروی، قتل تره کی، به قدرت رسیدن امین و بعد از سه ماه قتل وی توسط کی/جی/بی و به قدرت رسیدن ببرک کارمل.

۱۹۸۵-۱۹۸۶: قانون اساسی جدید جهت تغییر دادن نام کشور از (جمهوری دموکراتیک افغانستان) به (جمهوری افغانستان) که این عمل توسط انتخابات محلی در عده اندک از مناطق که در کابل در کنترل حکومت بود انجام شد. و کارمل توسط فشار روسیه از قدرت انداخته شد.

۱۹۸۷: نجیب الله به قدرت رسید، قانون اساسی جدید را تصویب نمود، و پارلمان را توسط آرا عام معرفی نمود، رئیس جمهور توسط پارلمان انتخاب گردید و همچنان شرایط را جهت ساختن شوراهای محلی و ولایتی ایجاد کرد.

۱۹۸۸: انتخابات فقط در مناطق تحت تسلط حکومت دایر گردید.

۱۹۹۲: رژیم نجیب الله سقوط نمود و زدوخوردهای داخلی آغاز شد.

۱۹۹۶: طالبان کابل را تصرف نموده و نجیب الله را به قتل رسانید.

۲۰۰۱: سقوط رژیم طالبان و شروع پروسه بن.

۲۰۰۴: نخستین انتخابات ریاست جموری برگزار شد.

۲۰۰۵: انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایت دایر گردید.

۲۰۰۹: انتخابات ریاست جموری و شوراهای ولایت برگزار شد.

۲۰۱۰: انتخابات پارلمانی در حال دایر شدن است.

معلومات هذا از عین منابع که در پاورقی شماره ۱۵ درج است اخذ شد.

۴. تعبیرها، تشریحات و درک ها از “دموکراسی” در افغانستان

درین بخش خیالات و احساسات متفاوت در میان افغانها در مورد مفهوم ومعنی دموکراسی بیان و توضیح آن که این خود جواباتی است به این مطالعه و چهارموضوع منوط به این؛ بطوروسیع ومفصل موردبحث قرار می گیرد که مشتمل بر موضوعات همچو دموکراسی منحیث آزادی، دموکراسی غربی که مخالف دموکراسی اسلامی است، دموکراسی باید همراهی قانون وامنیت مرتبط باشد وبالاخره دموکراسی باید در کاهش فقرپیشرفت اقتصادی وتساوی حقوق نقش داشته باشد.

۱,۴ دموکراسی چون “آزادی”

تا جائیکه وحدت عمومی و جوابات که از تمام دورنماهای گذشته دریافت شده وآن این که دموکراسی با آزادی وصلت داشته وباهم یکی است. طوری که پاسخ های پائین نشان دهنده این حقیقت است که وحدت ویکپارچه گی اکثرا“ در دوره های آزادی واشتراک کردن درپروسه انتخابات بطوردست جلوه گرمی شود وهمچنان تا درانتخاب وانتقاد از حکومت خویش نقش را درقبال دیگر مردم که از نام آزادی سوء استفاده می کند ایفا کند. استفاده سوء واز نظر انداختن بعضی مسایل بنام دموکراسی شاید باعث مشکلات در جامعه شود.

جواب دهنده ۱: (در صحبت با جواب دهنده دوم) به نظر من دموکراسی به معنی آزادی است. وما در جریان انتخابات به آزادی ضرورت داریم. هر کس (مردویازن) باید احساس آزادی کند تا به شخص مورد نظر خویش رای دهد.

جواب دهنده ۲: بلی من موافقم، ما دموکراسی میخواهیم اما در بعضی موارد نه--- چرا که ما افرادی را می بینیم که از نام دموکراسی تعبیر سوء می کند از دموکراسی باید سوء استفاده نشود. ۲۳

به فکر من مردم بصورت عموم تعبیر سوء از دموکراسی دارند، فرضا“ بعضی ها بدین گمان اند که دموکراسی یک آزادی غیر محدود است، هر نوع کار و عملی راکه می خواهند انجام می دهند و هر قسم لباس که می پوشند گویا که دموکراسی است. ۲۴

دموکراسی یک ارزش بسیار خوب در کشور است. مگر در افغانستان از آن سوء استفاده می شود.

دموکراسی عبارت است از: آزادی زنده گی، آزادی اظهار و آزادی مذهب می باشد. مگر--- هنوز بسیار وقت است تا دموکراسی را با تمام ابعاد آن بوجود آورد. بهتر خواهد بود تا آزادی و دموکراسی به قسم تدریجی عملی شود. ۲۵

در مناطق روستایی کشور مردم در مقابل کلمه دموکراسی از خود حساسیت نشان میدهند. و برای آنان این واژه به مفهوم آزادی غیر محدود و خارج از چوکات بوده وحالا کلمه دموکراسی در میان جوانان به شوخی ومزاح مبدل شده واثائیکه آنها به کارهای خلاف مبادرت ورزند و عملی غیر انسانی را انجام دهد در صورت استفسار و پرسش آنان می گوید هیچ باکی نیست دموکراسی است. و در عین حال قشر جوان در شهرها از دموکراسی برداشت غلط نموده یعنی دموکراسی عیش و خوشگذرانی و تلویزیون تماشا کردن است نزد آنان، این بیانات اظهارکننده آن آزادی است که سهیم شدن در انتخابات را ارزشمند می شمارد. ۲۶

جالب اینست جوابات که از مردم بدسترس قرار گرفت عده ویا اکثر مردم افغانستان معنی ومفهوم این کلمه را بطور واقعی آن نمی فهمند. وازین بیشتر توانایی آنرا ندارد تا آزادی خود ساخته خویش را منحصر ساخته و با آنچه چیزی که بطور اجتماعی در جامعه محدود است خود را عیار سازند.

رُبسیاری مصاحبه ها وجوابات مردم و بطور ویژه آنهایی که در دهات زنده گی بسر می برند وعده زیادی از جوانان استفاده غلط وسوء از دموکراسی می کنند. ۲۷

دلیل عمده که موجود است وآن نبود آگاهی، عدم درک واحساس وتعلیم وترتیبه بوده و ضمنا“ در محیط بودوباش دارند که مردم منتظر اوامروهدایات سران قوم

۲۳ دومعلم از طبقه اناث، دهات ولایت بلخ. (Focus group discussion)

۲۴ مرد جوان کارکن حکومت، در قریه ولایت پروان.

۲۵ این تصور و فرضیه برخلاف آن معلومات به پیش می رود که در مناطق روستایی برای این مطالعه بدست آمده وآن اینکه فهم ودرک عمومی راجع به اینکه از حق خود استفاده کنند ودر انتخابات شرکت ورزند وباین شیوه حکومت خویش را تعیین کنند. این مطالعه در مناطق که از مراکز ولایات در فاصله ۱۰۰ کیلومتری واقع اند وسرک نیز بخاطر رسیدن به آن مناطق موجود نیست انجام پذیرفته. مطالعه این مناطق به زمان بیشتر نیاز دارد تا از طرف AREU's این خلا برگردد.

۲۶ اینوع روش در بسیاری مطالعات دیگر AREU به مشاهده رسیده ونیز مشتمل بر مطالعات "Anna Larson, "A Mandate to Mainstream: Promoting Gender Equality in Afghanistan" (Kabul: AREU, ۲۰۰۸)

۲۷ ارقام دقیق بنا بر نبود معلومات ثق ودرست نفوس در دست نیست، مگر دفتر احصائیه مرکزی درسالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ بطور تخمینی ۲۳،۵۱۱،۴۰۰ کل نفوس، ۱۸،۱۸۱،۲۰۰ (۷۳٪) آن در دهات میشت دارند. نفوس تخمینی توسط احصائیه مرکزی، ارقام نفوس، در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ (کابل: دفتر احصائیه مرکزی CSO۲۰۰۸).

مطابق ارقام احصائیه بودجه ملل متحد (UNFPA) ۶۸٪ مردم در زیر سنین ۲۵ سال استند. A Socioeconomic and Demographic Profile, ۲۰۰۳-۲۰۰۵ (volume for all) (Kabul: UNFPA, ۲۰۰۷), ۱۹.

استند و از طرف سران با آسانی به هر کاری که باشد گماشته می شوند.^{۲۸} این روش علیه نفوس روستائی در میان روستایان نه بلکه قشر تعلیم یافته نخبه و روشنفکر نیز در مقابل فعالیت های جوانان حساسیت نشان داده و آنرا جدی تلقی می پندارند.

که این رویه علیه اینها اغلباً "در بخش های مختلف جامعه به برخورد خشن مواجه شده . با وجود تکرار این قضیه و بطور اخص نکات که از مصاحبه ها در مناطق روستایی بدست آمده علت اصلی آن بی خبری از دموکراسی در کشور است جائیکه بیشترین نفوس تحت سنین ۲۵ سال بوده و بیشترین آنها در دهات کشور زنده گی می کنند.^{۲۹}

نتیجه حاصله از این مبحث و مصاحبه برمی آید که بسیاری از جوایدهنده گان بدین باوراند که اشکال به سویه ملی در جامعه باید تطبیق و نافذ گردد تا جلو همچو دموکراسی نامحدود فردی را گرفته به گفته یک جواب دهنده؛ که ازین دموکراسی فردی مردم تعبیر غلط خواهد نمود، گویا که دموکراسی برای یک گروه خاص و یک قشر ویژه است.

به گفته مردم "هر چه می خواهی همان کن چرا که دموکراسی است" در قبال این سخنان مردم دولت رسالت و مسوولیت دارد تا حدود را وضع نماید. دموکراسی و آزادی را برای مردم توضیح کند. تا باشد که مردم از نام دموکراسی سوء استفاده نکنند.^{۳۰}

با پیمان و وسیع اکثریت از کسانی که با آنها درین مورد مصاحبه گردید ، بیان کردند اگر نظام اسلامی یکجا با سیستم سیاسی متفق می بودند پس درین صورت این کنترل و محدودیت نافذ و جامه عمل خواهد پوشید.

ما دموکراسی را می پذیریم که بر اصول دین اسلام بنا یافته ، ما دموکراسی که با هرج و مرج بوده و هم در آن عدم احترام به معلمین و بزرگان ما باشد نمی پذیریم.^{۳۱}

مردم بیسواد و یا کم سواد اند در مورد دموکراسی و آزادی نمی فهمند و از آن غلط برداشت می کنند طوری مثال موبایل در بین جوانان بطور غلط استعمال می شود یعنی از طریق آن ارتباطات نامشروع با دختران قایم کرده و همچنان فلم های مبتذل در آن تماشا می کنند. ما با آزادی واقعی که در چوکات اسلام و قانونی باشد نیاز داریم و این آزادی باید در محدوده قوانین اسلامی و دیگر قوانین نافذ باشد.^{۳۲}

جواب دهنده گان رجحان و تمایل داشتند تا این کنترل اجتماعی را با اصول اسلامی ربط داده و در عین زمان توسط حدود که در جامعه تعیین است در عمل پیاده شود. دموکراسی در افغانستان قابل پسند است. مگر نه آن دموکراسی غربی که بطور کاغذ پیچ از بیرون آمده، با گونه آزاد مانند سیکولاریزم و بد اخلاقی بالای مردم قبولانده می شود.

در جریان مصاحبه های که با مردم در مورد این مطالعه صورت گرفت؛ جری بحث ها در مورد توافق و همدلی اسلام با دموکراسی در حکومت ملی بیشتر اما متفاوت بود.^{۳۳}

روی هم رفته ، موافقه عمومی ظاهر گردیده و اینرا مشخص می سازد که ارزش های اسلامی میتواند و در گذشته نیز توانسته تا با سیستم جهانی یعنی اشتراک عمومی در انتخابات و بطور عموم دموکراسی که با کنترل اجتماعی در مطابقت بوده همگام باشد. ارزشهای اسلامی که توسط جواب دهنده گان طی مصاحبه ها بر ملا شد حاکی از انتخابات آزاد، تساوی اجتماعی و حقوق زنان ، که در چوکات اسلامی قرار داشته باشد، منظور از چارچوب اسلامی؛ یعنی در حقیقت امر هر چارچوب آن برابر با قوانین اسلامی باشد. در حال که تفاوت در میان یک جواب دهنده با جواب دهنده دیگر موجود است. یعنی مجموعه ارزش های که در چارچوکات معرفی شده با روش زنده گی که مردم با آن آشنا است؛ نه مجموعه ارزشهای که در چارچوب از بیرون برای مردم آورده شود. (دموکراسی نوع غربی) که در تضاد با ارزشهای اسلام و آنان باشد.

۲۸ معلمه زن از روستای در ولایت بلخ.

۲۹ مرد که رهبر یک دسته از مردم و ضمناً "دوکاندار در روستای از ولایت بلخ است.

۳۰ درین مبحث یک گنجینه از ادب موجود است که درین جا آنرا به تفصیل نمیتوانیم شرح دهیم. برای معلومات بیشتر و تحلیل های افزون طوری نمونه ملاحظه فرمائید: John L. Esposito and John O. Voll, Islam and Democracy (Oxford and New York: Oxford University Press, 2004); also Oleson, Islam and Politics Afghanistan, جهت تحلیل و تجزیه سیاست اسلامی خاصاً "در افغانستان ، و به ژورنال دموکراسی ، ۱۹، شماره ۳، جناح های اسلامی و دموکراسی.

۳۱ معلمه زن از روستای در ولایت بلخ.

۳۲ شاگرد دکور، از روستای در ولایت بلخ.

۳۳ شاگرد اناث، از روستای در ولایت بلخ.

۲,۴ دموکراسی اسلامی یا غربی:

جوابات که به این دواختش راجع می شود خیلی زیاد بود که یک سلسله ازدورنماهای اجتماعی را منعکس می کرد. و خاطر نشان می کرد که این روش دموکراسی تصویری در افغانستان غیرعادی نیست. دموکراسی غربی که عموماً "یکجا ست با بد اخلاقی و بی دینی بنا برین دلایل مردود بوده در حالیکه دموکراسی اسلامی مورد توجه و عطف بوه و دارای ارزشهای مثبت است؛ که برای افغان ها قابل قبول می باشد.

به نظر من مشابهت های زیادی میان اسلام و دموکراسی موجود اند. که این تشابهات مشتمل بر آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی عقیده و مذهب، انتخابات حکومتی و رای دهی برای موضوعات دیگر. لکن بعضی از مسایل اند که تفاوت ها را بین اسلام و دموکراسی آزاد غرب ایجاد کرده اند؛ مانند آزادی فردی به زنان، و حتی در دموکراسی های غربی همجنس گرایی مجاز است. در حالیکه در اسلام و فرهنگ افغانستان به این نوع آزادی ها به دیده شک و نفرت می نگرند و آنرا بی ادبی و فحاشی می خوانند.^{۳۴}

دو نوع دموکراسی موجود اند: یکی دموکراسی اسلامی و دیگر دموکراسی غربی. دموکراسی غربی برای افغانها قابل پذیرش، کارا و بدرد بخور نبوده؛ چرا که خلاف عقیده، کلتور و عنعنات مردم افغانستان می باشد. مطابق دموکراسی غربی یک زن شوهر دار می تواند بچه خوانده داشته باشد در حالیکه در اسلام همچو عمل قبیح و ناپسند است. دموکراسی باید در چارچوب اسلامی باشد و زنان باید قوانین اسلامی را پیروی کنند که سپس ما میتوانیم دموکراسی را در جامعه خویش پیاده کنیم.^{۳۵}

دموکراسی عبارت از حکومت مردمی توسط مردم برای مردم، مگر در افغانستان ما شاهد حکومت استیم که از خارج توسط خارجیان برای افغانها ساخته شده است. تعریف حقیقی در افغانستان برعکس است --- دموکراسی اصلی دموکراسی اسلامی است --- ما در اسلام برای دموکراسی چوکات داریم که نباید از آن پا را فراتر بگذاریم.^{۳۶}

دموکراسی به معنی آزادی؛ حقیقتاً ما با آن نیاز داریم، لیکن دموکراسی اسلامی باشد نه غربی. ما بعضی از ارزشها دموکراسی را از برخی کشورهای غربی نقل کردیم.^{۳۷}

افغانستان بعضی از اعلامیه های حقوق بشر را امضا نموده، مگر به فکر من این اعلامیه ها در جامعه اسلامی ماقابل تطبیق نمیباشند. که توسط نشان دادن تضاد و بربرهنه و عریان زنان در تلویزیون و یا از زنان منحیث بازیچه دراعانات تجارتي استفاده کردن، پس درینصورت ما در افغانستان نمی توانیم ادعا دموکراسی نماییم.^{۳۸}

یک موضوع دورانی که در تمام مصاحبه ها به آن تماس گرفته شد و از آنجمله در سه نقل قول فوق اظهار شد، که نشان دهنده نظرقوی و واحد دموکراسی غربی که مرتبط به زنان و اخلاق می باشد.

این معلومات توسط مصاحبه کننده گان تهیه نگردیده بلکه از اظهار نظریات کلیدی است که هر دو مردان و زنان آنرا بیان نمودند. حقیقتاً، این تقریباً مانند سلسله یک زنجیر است که: دموکراسی = غرب = فحشا = زن، که از آنجمله دو اخیر آن که با هم ارتباط دارند، در نتیجه کلتور فرآگیر و مروج افغانستان که همانا زنان در قبال خانواده های شان و بخاطر حفظ عفت خویش مسؤل اند و در مقابل آن ایستاده گی می کنند.^{۳۹} با پیشکش نمودن نقطه نظرهای غیر دموکراتیک اسلام به باور برخی افغانها و دیگران این درخواست آزادی فردی زن بپیش کش های اسلامی در توافق نبوده. در حقیقت این عمل به دیگران هم یک نظر غیر اسلامی تقدیم خواهد کرد. بنا برین، هنگامیکه از بسیاری جوابات بر ملا شد اینکه دموکراسی غربی با زنان مرتبط است، پس نبود توافق عمومی بالای سیستم که نقش زنان و آزادی آنها در آن تسجیل شده، و بر قوانین دموکراسی اسلامی استوار باشد. این نوع آزادی های انفرادی بطور ویژه در جواب تشریح نگردید؛

۳۴ جهت معلومات بیشتر ملاحظه فرمائید (Nancy Tapper, Bartered Brides: Politics, Gender and Marriage in an Afghan Tribal Society (Cambridge, UK: Cambridge University Press, 1991).

۳۵ مواد ۸۲ و ۸۴ قانون اساسی افغانستان (ترجمه غیر رسمی رهنما کمک به افغانستان از ZATA)

برای معلومات بیشتر در مورد سیت های ریزرف ملاحظه فرمائید (Words worth, "A Matter of Interests").

۳۶ معلمه مضمون دینی، در روستای ولایت کابل.

۳۷ جواب ارتباط می گیرد به واقعات متعددی که در سرتاسر کشور انجام شده که از آنجمله پاشیدن تیزاب، به روی دختران مکتب توسط گروه های افراطی بطور شعوری که مخالف تعلیم و تربیه دختران اند. در سال ۲۰۰۹ گزارش های مبنی بر پاشیدن گاز زهری بالای دختران مکتب در میدان ورزشی و آن هم توسط افراطیون. به طور نمونه ملاحظه فرمائید: (Fear of Gas Attacks Keeps Afghan Girls (Home, MSNBC, 14 May 2009, www.msnbc.msn.com/id/30747859 (accessed 5 August 2009).

۳۸ معلمه انث، از روستای در ولایت پروان.

۳۹ برای نمونه ملاحظه فرمائید: "Ambassador Backs Afghan Mission," BBC News, 27 August 2009, http://news.bbc.co.uk/_news/8223722.stm (accessed 27 August 2009).

با وجود این همه، میان جواب دهنده گان مرد وزن یک موضوع واضح و مشترک و ضمناً "حمایت از میانه روی و توازن نسبت به افراطیت، که از جمله اشتراک کننده گان یک زن نظر خویش را چنین بیان داشت: ما نه ضرب و شتم را می پذیریم و نه اشک ما بدون موجب ریخته شود و نه هم از طریق پرده تلویزیون و سینما به شکل عریان و برهنه ظاهر شویم.^{۴۰} بطور جالب، هیچ یکی از جواب دهنده گان مرد و یا زن در هیچ کدام ولایت، جواب را ارئه نکرد راجع به حضور زنان ددفاتر سیاسی یعنی زنان در عرصه سیاسی نسبت به هر وقت فعال اند که این کار در نتیجه (قانون اساسی افغانستان است که سیت های بطور وسیع را برای زنان تخصیص داده اند)^{۴۱} در سه ولایتی که تحت مطالعه قرار گرفتند و با کسانی که مصاحبه انجام شد. این نتیجه آشکار شد که آنها نقش فعلی زنان را در یک دایره عمومی در بسیاری بخش ها قبول و پذیرفتند.

بطور اهرم، موضوع که درین جا آشکار می شود با این شرط که با رساله ذکر یا در یک خط واقع باشد و در بگرنده سیاستهای دموکراتیک بوده و با ارزشهای آزاد غربی پهلو زند، مگردشوار است تا گفته شود که با کدام یکی از این ارزشها با چارچوب اسلامی افغانستان در توافق و تعادل قرار گیرد. با یک انانث که از جمله عالمه اسلامی است مصاحبه انجام داده ایم؛ که موصوفه بطور خلاصه به این نکته اشاره فرمود:

افغانستان یک کشور اسلامی است. دموکراسی یک سیستم خوب برای حکومت داری تدر افغانستان است.

دموکراسی یک ارزش نیست. واگردموکراسی ارزش پنداشته شود و شامل آن ارزشهای دموکراسی که در جامعه غربی عملی میشود؛ برای ما قابل قبول و تأیید نیست. چرا که همرا ی ارزشهای اسلامی و عنعنوی ما در توافق نیست. اگر دموکراسی شکل غربی را در کشور اعاده کنیم این یک عقیده مخالف و ناپسند خواهد بود. لیکن اگر ما بتوانیم که نکات مثبت و قابل باور دموکراسی غربی را با ارزشها و عنعنات اسلامی ضم و ترکیب کنیم پس درین صورت از جمله مردمان موفق و پیروز خواهیم بود.^{۴۲}

در ظاهر، دموکراسی و دموکراسی سازی هر دو مرحله ارزشمند اند. از بسیاری جوابات هویدا شد که در میان ارزشهای اسلامی و غربی اساساً تفاوت های موجود اند، مگر برخی از صفات مشترک در اصول دموکراتیک موجود اند که هر دو کنگوری را احتوا می کند. واضحاً توضیح کردن حجم این صفات مشترک، اگر چه در میان افغانها توافق مبنی بر اینکه کنگوری مذکور به چه حجم ساخته شود، این موضوع تا حال به شکل نظر فریبیده پا برجاست. با اینکه، سوال در اذهان موجود است که به کی باید وظیفه سپرده شود. ولی سوالی مبرم و ضروری به جا خود باقی است.

کدام یکی از بازی کنان مسولیت این وظیفه خیلی ذهنی را بدوش خواهد گرفت تا ارزشهای مورد پسند را تشریح نماید. و کدام عرصه فراگیر و جامع برای این مباحثه در نظر خواهد بود.

این رساله قبل از وقت راه حل های را به این مشکلات نمی گذارد. با وجود اینکه، بحث مذکور ضروری و مربوط به عرصه موجوده بوده و نیز ثابت شود.

یک ارزیابی ملی و فراگیر در مورد ارزشهای دموکراتیک، مفهوم و معنی آن در عرصه افغانی به وقت ضرورت دارد. که پروسه یاد شده در ایجاد پذیرش دموکراسی؛ سودمند واقع خواهد شد. قبل از وقوع این پروسه، ضرورت به مرحله سیاسی قابل دید، که در بلندترین سطوح سیستم دموکراتیک باشد احساس می شود. مگر تشویق و ترغیب به گفت و شنود های عمومی صورت بگیرد، تا باید این مراحل به چه نوع در عرصه افغانی ساخته شود. در ظاهر امر، این نوع مباحثات نتایج را به بار خواهد آورد که به طور آسان با اصول دموکراتیک غربی جاگزین نخواهد شد. ولی این مهم است که دموکراسی نظریه شرایط افغانستان توضیح و تشریح گردیده تا با اتهامات وارده، و بدین ترتیب با سیستم قابل توسعه سیاسی مقابله کند.

۳,۴ دموکراسی یکجا با امنیت و تطبیق قانون است

تمایل کلیدی سوم که در مصاحبه ها قابل مشاهده بود همانا ربط دموکراسی با امنیت است. که اغلباً از نقطه نظرهای منفی اظهار می شد، و نشان دهنده این بود که اوضاع فعلی در کشور به سبب همین عناصر کلیدی دموکراتیک نیست. آیا این دموکراسی است؟ که دختران نمیتوانند تا به مکتب رفته باسواد شوند، زمانیکه خشونت در ولایات مانند کندهار و فاریاب علیه آنان صورت می گیرد، هنگامی که تیزاب به روی شان پاش می شوند، کجا ست دموکراسی؟ و وقتیکه به دختران در مکتب ولایت پروان زهر داده می شود، پس چطور گفته می توانیم ما دموکراسی داریم؟^{۴۳} دموکراسی اینجا فقط به نام است، و دموکراسی واقعی

۴۰- مصاحبه ها در ولایات کابل، پروان و بلخ.

۴۱ کارکن مرد دولت، در روستای ولایت پروان.

۴۲ معلم مرد، در ده ولایت بلخ.

۴۳ علایق ستراتیژیک ممکن شامل کوششهای شود تا در مورد حاضر بودن ذاتی افراد در پارلمان اطمینان حاصل شود. جهت تفصیل موضوع ملاحظه فرمائید: Naila Kaber, Reversed Realities, Gender Hierarchies in Development Thought (London and New York: Verso, 1994), 90-91.

نیست. ما گفته می توانیم که هرگز دموکراسی نداشتیم.^{۴۴}

مردمان که به روی جاده ها در حال گام زدن است بعد از مدت زمان جسد شان به خانه آورده می شود.

مردم بطور آزاد در چار اطراف شان گشت و گذار کرده نمیتوانند، این چقدر دموکراسی است؟ و شرایط که فعلاً^{۴۵} در کشور ما حکم فرماست دموکراتیک نمیشود.

دراغانستان نه قبلاً دموکراسی بود و نه حالا، من نمی دانم که در مورد چی صحبت کنم؟ نزد من چیزی مورد بحث راجع به دموکراسی افغانستان نیست. دموکراسی در کشور ما جزیک شعار بیش نیست، بلکه در کشورهای متری دموکراسی توسط مردم و حکومت آن تطبیق می گردد و هر کس می تواند از حق رای خود بطور آزاد استفاده کند. مگر در کشور ما تفنگ سالاران مردم را به جبر و ستم به رای دهی به نفع خود مجبور می سازند. اگر به جنگ سالار مورد نظر رای ندهد زنده گی وی به خطری افتد. فلهمذا در افغانستان جای شرم است اینکه بگوییم دموکراسی است. انکشاف دموکراسی در صورت ممکن است که امنیت و مصئونیت باشد.

ظاهراً نظریه انتخابات آزاد و مناسب و انتخابات جهانی که به دیده شک و تردید نگریسته شده و سوالاتی درباره آن بروزی کند که چوقت آرا جمع آوری شد و یا کم از کم جمع آوری آرا مشاهده شد، توسط زور و جبر، و هنگامیکه مراکز رای دهی در مناطق نا امن کشور تاسیس نمی شود.

در حقیقت امر خوف از حملات شورشیان زمانی پدیدار شد که بسیاری رای دهنده گان نتوانستند در بعضی از مناطق نا امن به طور نمونه در (ولایت هلمند) در انتخابات ماه اگست ۲۰۰۹ اشتراک ورزند.

مگر نظریه اظهارات برخی از جواب دهنده گان این نامنی صرف منحصر به دوران انتخابات نبوده بلکه بطور عموم در امور یومیه با این نا امنی ها مواجه اند. در مطالعات قبلی که از طرف AREU انجام شد. این تمایل که در کاهش نا امنی ها خاطر نشان شد، و مسایل فوق را متاثر نمود، از طرف و کیلان و رهبران گروه های سیاسی محسوس و به صورت سهل و آسان بطور روز افزون در حال زیاد شدن بود. که موضوع اساساً توسط یک سوال نیز مطرح شد.

روز تا روز امنیت یک مساله نگران کننده تلقی می شد که پاسخ های جواب دهنده گان نیز به آن می چرخید و از بالای بیانات آنها آشکاری شد که از امنیت در سطح پائین و یا نبود آن شاک می بودند.

و این وضعیت تاثیر جدی را در کل می گذارد، در صورت که شهروندان نه بالای مراحل انتخاباتی باورمند باشند و نه بالای توانایی حکومت که توسط آنان انتخاب گردیده تا برای شان پیام آور صلح و صفا باشد. انگیزه اشتراک کردن در انتخابات بطور چشم گیری تقلیل یافته است.

عدم تطبیق قانون از موضوعات است که به نظریات جواب دهنده گان ارتباط داشته و بسیاری بدین باوراند که بدون تطبیق کردن قانون راه حل دیگر ناممکن و مشکل است.

مثال های اولیه و ابتدایی دلالت به این می کند، گویا که (اشخاص سرمایه دار مافوق قانون اند) و ضمناً کسانی که استطاعت مالی داشته تا رشوه دهند، خویش را نیز برتر از قانون می پندارند. این موضوع نگران کننده، در بعضی حالات پیگیری شد و منتج به آن شد که دولت توجه کافی در سیستم عدلی خویش در زمامداری کرزی ننموده و این نگرانی های یاد شده قانونی و مشروع می باشند.

و در عین حال این نگرانی ها توقعات بلند مردم را به دموکراسی و سیستم دموکراسی نشان می دهد. آنان تنها به داشتن یک دولت مشروع اکتفا نکردند بلکه خواستار فراهم نمودن وسایل شدند، تا دولت با روش های تدبیر آمیز و کارا و با شیوه های مناسب از آن استفاده بعمل آرد.

این مبحث در تحقیقات آینده بطور وسیع و بیشتر توضیح خواهد شد.

۴,۴ دموکراسی با کاهش فقر، انکشاف اقتصادی و مساوات ربط دارد.

موضوع آخری که با اندازه وسیع مورد بحث قرار گرفت و همچنان از مصاحبه های که با مردم صورت انجام شد دموکراسی در افغانستان بدون انکشاف اقتصادی ناممکن است. تعداد از اظهار نظریات که درین ارتباط آشکار شد و حاکی از غربت فراگیر بود، فلهمذا درین صورت نمیتوان دموکراسی را تطبیق نمود. و همین فقر باعث می شود تا فرد مورد علاقه خویش را در بدل بدست آوردن امکانات و وسایل مادی رای دهد.

۴۴ عالم دین و معلم، در روستای کابل.

۴۵ مرد، رهبر یک دسته از مردم، در روستای ولایت کابل.

هنگامیکه نامزدان محفل نان دهی، را تهیه و ترتیب می کنند و برای مدت زمان با مردم صحبت کرده و خط و مشی خویش را اعلان می کنند و از مردم می خواهند تا با آنها رای دهند، مردم بدون سنجش با آن شخص رای میدهند.

مردم را فهماندند یک وظیفه دشوار است بخاطریکه اقتصاد آنها ضعیف بوده، و هر کسی که امکانات مالی را برای مردم عرضه کند در انتخابات برنده می شود. و مردم فقط پهلوی مادی قضیه را در نظر می گیرند.

ما شاهد واقعات بودیم که مردم بخاطر پول، روغن، گندم و دیگر اشیاء رای دادند، در حقیقت امر مردم صرف بخاطر روغن و یا دیگر اشیاء رای میدهند، آیا دموکراسی همین است؟

در میان پاسخ ها، از پاسخ های دهاتی هویدا و محسوس شد، که غربت در روستاها باعث گردیده تا مردم بطور پنهانی بخاطر بدست آوردن پول و تحایف، و محوشدن بخاطر بدست آوردن منافع کوتاه مدت که ضروریات اولیه خویش را توسط آن مرفوع سازند که همچون عمل مخالف ستراتیژی به سویه طویل المدت ملی می باشد. در پاسخ های حاصله از دهات، این پروسه نامشروع انتخاباتی و عملی کردن آن فقط به نام و صرف عرضه کردن یک توقع سیاسی می باشد. انعکاسات نگران کننده بحث برانگیز جهانی در مورد این موضوع، که آیا سیاست های دموکراتیک به این قادر خواهد بود تا پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر را به میان بیاورد، یا شرایط پیش فرض که قابل اجرا باشد تا در کاهش فقر و پیشرفت در دموکراسی سازی رول بیشتر داشته باشد.

اگرچه، به روز انتخابات در هیچ گوشه کابل تصدیق و تأیید واقع نام امنی به چشم نرسیده؛ و هم رای دهندگان نسبت به هر وقت دیگر به فعالیت های سیاسی سرگرم بودند تا تحایف و مادیات را بدست بیاورند و در عین حال به نفع چند کاندید فعالیت و کمپاین می کردند. و دادن رای را به یک کاندید وعده می کردند و رای خود را به کاندید دیگر می داد. که واقعات متذکره را می توان در مناطق دشت برچی کابل سراغ کرد. روایات عمومی حاکی از آن بود که درین انتخابات مردم تا حد آگاه شدند. و به کاندید مورد علاقه خویش رای خواهند داد. که این عمل رای دهنده گان باعث یأس و ناامیدی نامزدان نیز گردید، نامزدان طی مصاحبه های که با AREU انجام دادند؛ از عدم حمایت رای دهنده گان که قبل از انتخابات با اینها متعهد بودند ولی در روز انتخابات از حمایت نامزدان دست کشیدند که این کار سبب ناکامی نامزدان شد.

ازینرو، عمل فروش آرا برای بدست آوردن متاع و فایده ممکن به سطح عمومی و ملی انجام شده باشد که این عمل بصورت حتمی نشان دهنده عدم مالکیت و مرام سیاسی رای دهنده گان نمی باشد.

نکته دومی که در مورد ترقی اقتصاد درین مبحث به میان آمد، عبارت بود از مقایسه میان وضعیت اقتصاد افغانستان، و وضعیت اقتصادی که توسط کشورهای دموکرات نافذ شده است. در میان جوابات که از مصاحبه کننده گان بدست آمد، حاکی از درک و احساس که بالای افغانها مسلط است و آن عبارتند از: بیکاری، فقر و فساد اداری است که درین حالت افغانستان در زمره کشورهای دموکرات نمی آید. چرا که دموکراسی واقعی عاری و خالی از همچو معضلات می باشد.

به نظر من از نگاه اقتصادی ما آماده به پذیرش دموکراسی عملی در کشور نیستیم، زیرا که منابع کافی در دسترس ما نبوده و علاوه ازین به بنادر بحری و سرحدات مناسب تجارتي دسترسی نداریم. ما به حدی زیادی از دموکراسی غربی دور استیم و نیز کشور و مردم شان با ما متفاوت اند. در کشور ما بیمه حیات وجود ندارد و مردم ما به پیمانۀ زیاد نادارانند. در حالیکه در کشورهای غربی اکثر امکانات مهیا اند. و هیچ دلیل موجه نیست که در آن کشورها دموکراسی عملی نشود. باید در مورد عوامل که بالای پروسه دموکراسی در کشور ما اثر گذار است غور کنیم. در نهایت امر غربت یکی از موانع عمده در راه دموکراسی در کشور است.

کارکردهای فعلی حکومت دموکراسی را در کشور بدنام و به چالش گرفته است.

مقاله که در آن اساساً "به حمایت از ادبیات، ضروریات عملی و به علایق ستراتیژیک بطور انکشافی اشاره شده است،

من متوانم بگویم که در افغانستان بعد ازین دموکراسی وجود ندارد. مردم شاهد عمل کرد های بین المللی و ملی در کشور بودند، درینجا در دارای های دولت اختلاس، فساد و سازش صورت می گیرد. مردم افغانستان من بعد این سیستم را دموکراسی نمی گویند.

در بسیاری حالات، مجموعه از معیارها جهت ارزیابی کردن دموکراسی افغانستان، که با اوصاف و خصایل کلیدی و اهم دموکراسی ها تاسیس شده مانند: انکشاف اقتصادی به سطوح عالی، تطبیق قانون، کنترل کردن و در تعادل واقع شدن در مقابل اختلاس پایه گذاری شده است.

و این یک ارتباط قابل فهم و درک است، مگر نشانده توقعات بسا بلندی است که چه نوع سیستم دموکراسی باید تهیه گردد. اوصاف و خصایل یاد شده، بعداً مشابه به ارزشهای که در تشریح دموکراسی علاوه گردیده، می باشد. و اگر کشوری با این اصول یاده شده فوق موافق نباشد؛ درینصورت یا دارای یک سیستم عاری از دموکراسی و یا هم دارای سیستم دموکراتیک خود ساخته می باشد که این شیوه کار به ذات خود تقصیر و کوتاهی است.

و یا به عبارۀ دیگر (ما دموکراسی که هرگونه حاصل شده باشد نمی خواهیم) نگرانی موجود است مبنی بر اینکه دموکراسی که توسط دولت افغانستان تطبیق

گردیده، نمیتواند یک بدیل جاودانی را پیش کش کند که مورد قبول فعالین مخالف دولت باشد. پس در عدم موجودیت همچویک مدل از دموکراسی، حمایت از گروه های شورشی را افزایش خواهد داد. به ارتباط این موضوع بسیاری از جواب دهنده گان که درین مطالعه با آنان مصاحبه های صورت گرفت، خواستار تعیین یک رهبر قوی و دارای صلاحیت در اس این دموکراسی شدند و یا حداقل برای بهبود مدت زمان تصادمات قبلی، زیرا که در مدت زمان کوتاه بتواند دست آوردهای قابل ملاحظه را در عرصه انکشاف اقتصادی بدست بیارد.

نکته سوم با انکشاف ویژه اقتصادی که یکجا با نظارت دموکراسی باشد ارتباط می گیرد.

در نزد بسیاری از جواب دهنده گان دموکراسی بامساوات، عدالت اقتصادی که توسط دولت تنظیم گردیده باشد ربط دارد. مارکیت بازار آزاد اکثراً از دید منفی با آن نگریده شده طوری که در نقل های پائین تشریح گردیده.

اگر کسی وضعیت موجوده افغانستان را دموکراسی تلقی می کنند پس اینها دموکراسی را رسوا و بدنام می کنند. دموکراسی از خود اصول و ضوابط دارد که اگر حکومت و مردم آنرا جامه عمل نپوشانند این حالت به یک سیستم هرج و مرج و بی حکومتی مبدل خواهد شد. من یک مثال را در مورد بازار آزاد از زبان یک ژورنالیست به شما به بیان می گیرم (ژورنالیست از شاروال گذشته پرسید که قیمت یک قرص نان در نانوای های شهر چند است؟ شاروال در جواب عرض کرد من نمی دانم؛ زیرا بازار آزاد است هر نانوای به هر قیمت که خواسته باشد می تواند بفروشد، بخاطریکه بازار آزاد داریم. و ازین می توانیم تمام عرصه تجارتي را قیاس و استنباط کنیم. این به معنی دموکراسی نبوده بلکه هرج و مرج است.^{۴۶}

به عقیده من ما در افغانستان فاقد دموکراسی هستیم بخاطریکه غریب یک روز بعد از دیگر غریب ترمی شود و سرمایه دار روز تا روز سرمایه دار ترمی شود. اگر ما به تاریخچه پیامبر خویش نگاه کنیم عدالت و تساوی حقوق را در آن زمان می توانیم به صراحت دریابیم. من به همچو دموکراسی موافق استم.^{۴۷}

در بیانات که در نقل قولهای در مورد دموکراسی و آزادی در بالا تذکریافت؛ میتوان آنرا نمونه در عرصه های نظارت های اجتماعی سرمشق قرار دهیم.

رویه و روش در مقابل بازار آزاد سرمایه داری، که در نقل قول نخست در فوق یادآوری گردید بطور عموم از جواب دهنده گان دریافت گردید که در آن به طور خاطره و نشانه از پالیسی های سوسیالیستی که صرف بنام دموکراتیک است اشاره می کردند. بطور عموم در قبال اقتصاد سرمایه داری، یک فضای بی اعتمادی در میان افغانها موجود است، دال بر اینکه این نوع سیستم وارده غربی به افغانستان است.^{۴۸}

بطور جالب، درین حالت دموکراسی واقعی آنست که توسط ملت ترتیب و تنظیم گردیده، دموکراسی اجتماعی نسبت به دموکراسی حکومتی خوبتر است چرا که دولت نظریه ضروریات و درک ها به آن موضوعات که بطور اجتماعی و اقتصادی تازه و جدید باشد دموکراسی را می سازد. در برخی از موضوعات نماینگرایین مغایرتها و تفاوتها، ناهماهنگی و نامساوات در معاشات کارمندان دولت است، که این کار خلاف دموکراسی پنداشته می شود.^{۴۹} و فراتر ازین تساوی میان گروههای نژادی که موضوع مهم و نگران کننده است. و درین راستا کرزی گام های مثبت را برداشته تا این توازن قومی را حفظ کند. فلهمذا در کابینه خویش اقشار مختلف مردم راجا داده است.^{۵۰} لازم است تا یک ارتباط میان اسلام و روش های که در مورد بی عدالتی ها و نامساوات از جواب دهنده گان حاصل شد طی یک رساله بر بنا عدالت اجتماعی در اسلام ساخته شود.

اصلاً در میان جواب دهنده گان توافق نظر موجود است مبنی بر اینکه سیستم دموکراتیک برای افغانستان مطلوب و پسندیده است، لکن تفاوت های جزئی در میان اظهارات جواب دهنده گان و نگرانی که موجود بود، و آن اینکه چه نوع یک سیستم زیر نظر گرفته شود. این در حالیکه که حمایت مردم از پروسه انتخابات و اشتراک آنها در انتخابات توسط فشار انجام شد. ارزش های که بطور ملاحظه مهم بود، باید به این توضیح بنیادی ضمیمه شود که در آن دموکراسی در افغانستان اسلامی، قبل از دوام زدوخوردها و قبل از زمان کمونیستی به افغانستان مختص شده است. در جوابات حاصله از مردم اشاره واضح به سیستم موجود حکمروای در افغانستان شده بود و در آن از عدم کیفیت دموکراسی سازی، که متکی به خود باشد. اظهار نظریات کرده، و همچنان تهیه مدت زمان ناکافی، برای پیشکش سیاسی از شهروندان نیز عنوان شده است.

۴۶ معلم مرد، در روستای ولایت کابل.

۴۷ مصاحبه های متعدد

۴۸ زکریا، "The Rise of Liberal Democracy"

۴۹ این بخش یک نظر عمومی را در مورد نظریات که از جواب دهنده گان بدست آمده نشان دهنده اینست، که آنان چطور و توسط که، آیا بشکل انفرادی و یا گروهی معرفی گردیده اند. این عملیه ارزیابی های اساسی و نمونه وی کیفیت را تهیه نموده، زیرا که این کار به وقت و مطالعات وسیع نیازمند است.

۵۰ معلم انان، در روستای ولایت پروان.

۵. تجارب از مراحل نشان داده شده

بنا بر توضیح مختصر دموکراسی، انتخابات آزاد و انتخابات جهانی وسایل اند که توسعه باید نمود، و عرضه نظام سیاسی که به خود متکی باشد صرف از جمله اصول اساسی و بنیادی اند که در مورد آن غور شده.^{۵۱} همانطوریکه، این بخش به مسایل سیاسی پیشکش کننده نظراندازی می کند که قبلاً "از سخنان کسانی که با آنان در مورد این مطالعه، مصاحبه ها صورت گرفت توضیح و تجربه شد. در قدم نخست درک این موضوع که به کدام شیوه مردم میتوانند در سطوح ملی و بین المللی عرض اندام کنند که این بحث در اوقات پروسه های تخنیکی تشریح خواهد شد، و ضمناً" این کار از طریق انستیتوت های که ظاهراً" به طور آسان آواز عوام را به دوایر سیاسی می رساند و درین مورد نگران اند.

قدم دومی، نظریات عامه و پیش کردن آن توسط خودشان، هر دوه به شکل انفرادی و یا گروهی و به چه شیوه عملکردهای اینها تحلیل و تجزیه شود.

قدم سومی، کسانی که توسط نماینده ها تقدیم شده قابل ملاحظه بوده، و همچنان تمرکز بالای فرد که بنام یک گروه رای میدهد و هم راجع به محل رای دهی تصور و فکر شود.^{۵۲}

۱،۵ نمایش مراحل و محلات

شهروندان افغانستان بطور رسمی از طریق مراحل تخنیکی انتخابات در صحنه آمدند.^{۵۳} اکثریت از مصاحبه های که در این رساله بطور دسته جمعی راجع به انتخابات ۲۰۰۹ ریاست جمهوری و شورای ولایتی انجام شده، و این انتخابات به پیمانیه وسیع در جوابات مصاحبه کننده گان توضیح و تشریح شده اند. نخستین و مهم ترین موضوع کلیدی عدم اعتماد بالای مراحل انتخاباتی می باشد.

(در انتخابات گذشته) من شاهد آن بودم که یک نفر چندین کارت رای دهی با خود داشت. که عین کار در انتخابات آینده تکرار خواهد شد. شخصاً من دو کارت که یکی از انتخابات گذشته و دیگری از مرحله ثبت نام اخیر می باشد. حتی کسانی اند که از ۱۰ تا ۲۰ کارت هم گرفتند و در مراکز ثبت نام در مورد داشتن کارت دیگر وسن اصلاً" پرسیان نیست. آنها تنها می خواهند تا تعداد کسان که ثبت نام نموده اند زیاد جلوه دهد.^{۵۴}

علل کثیر که بر عدم شفافیت انتخابات آینده دلالت کند وجود دارد، طوری مثال کرزی از تمام منابع دسته خویش در انتخابات به نفع خویش استفاده می کند و همین قسم یک شخص به نماینده گی گروهی رای میدهد که صیغه قانونی نداشته اما در افغانستان چنین می شود. در حقیقت هر شخص حق دارد تا به کسی که مورد پسند اش است رای دهد.^{۵۵}

به باور من مردم هستند که با بکس های مملو از پول که با خود آوردند، تا آرای مردم را خریده و بدزدند.^{۵۶}

در انتخابات گذشته تا حدی مردم خوشبین بودند، اما در انتخابات سال آینده ریاست جمهوری مردم آنقدر امیدوار نیستند زیرا که در تعیین سرنوشت شان بدست خود شان نا مطمئن اند.^{۵۷}

میزان تقلب و فریب که توسط افغانها در پروسه انتخابات مشاهده شده، نشان دهنده نا مشروعیت و غیر قانونی بودن این پروسه در نظر بسیاری افغانها است. به پیمانیه وسیع از جواب دهنده گان حاکی از فساد یعنی خرید و فروش آرای در انتخابات سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ بودند. که این امر در تضاد با اظهارات مثبت بعد از انتخابات جامعه جهانی است.^{۵۸} این سخن بیانگری باوری بالای مقاصد جامعه جهانی مبنی بر نتایج انتخابات و تحکیم بیشترین مفکوره در میان مردم که

۵۱ رهبریک دسته از مردم، در روستای ولایت پروان.

۵۲ بطور جالب، Louis Dupree documents نگرانی عامه در مورد انتخابات سال ۱۹۶۲ شاروالی کابل که در آن گفته شده بود شخص مورد نظر از قبل تعیین شده است که این موضوع توسط افراد سرشناس ملی و وزرا مطرح شد. نه توسط مداخلات خارجی. "Dupree," Afghanistan Slow March to Democracy

۵۳ درک راجع به نتیجه حاصله از انتخابات که گویا تحت نفوذ بیگانه گان صورت گرفته و این گفته باعث شد تا بالای جریان انتخابات ریاست جمهوری، و انتخابات سال ۲۰۱۰ اثر گذار باشد. انتخابات پارلمانی نیز از تقلب و فریب عاری نخواهد بود و درین انتخابات اثر نفوذ جامعه جهانی ممکن آنقدر چشم گیر نباشد. گفته می شود، که کشورهای همجوار می خواهند تا به نحوی بالای انتخابات ولسی گرگه نفوذ قابل لمس داشته باشد. مگر به اندازه کمتر در انتخابات ولایتی، به تعویق افتیدن انتخابات چانس را برای پاکستان و ایران میسز می سازد تا در سیاست های پارلمانی مداخله کنند.

۵۴ The Guardian, ۲۳ August, ۲۰۰۹. "Havana Marking, "It is insulting to Afghans to Declare Their Election a Success"

۵۵ آموزگار مردم، روستای ولایت بلخ.

۵۶ مرد، رهبر دسته ای از مردم، روستای ولایت بلخ.

۵۷ متعلمه، روستای ولایت بلخ.

۵۸ ICG گروه های سیاسی در افغانستان.

گویا انتخابات از قبل در اثر مداخلات جامعه جهانی صورت وپی ریزی شده اند که این نکته در ذات خود نگرانی را به میان آورده است. ۵۹٪ از میان مصاحبه های مردم به نماینده گی یکی آنرا برگزیده ایم که در آن راجع به ضرور نبودن وی اهمیت بودن رای دادن تذکر داده شده بود، انگیزه و روحیه ضعیف اشتراک مردم در درودم بطور چشمگیری کاهش یافته و نتایج بدست آمده از این انتخابات فریبنده و غافل کننده تلقی گردیده اند. ۶۰٪ تقریباً تعداد نصف از مصاحبه شونده گان ناراضیتی خویش را از پیروسی انتخاباتی خاطر نشان کردند، اما با وجود این همه نواقص و عیوب، باز هم در انتخابات اشتراک خواهند ورزید. ۶۱٪

دور از امکان است تا به بنیاد معلومات که آیا مشاهده کردن فریب ویا نتایج از قبل معین شده انتخابات، مردم را از اشتراک کردن در انتخابات مانع شده، فکر کرد.

تخمین بطور اوسط از ۳۰ تا ۴۰٪ عوامل متعدد درین راستا، که از آن جمله بی امنیتی اوضاع نیز قابل یادآوری است. در روزهای بعد از انتخابات، رسانه های محلی، کاندیدان و رای دهنده گان به یک صدا در مورد وسعت اوراق رای دهی و شمارش غلط آن، صدا خود را به گوش کمیسیون انتخاباتی سمع شکایات در جریان پیروسی شمارش آرا رساندند. در واقعیت این به ادعا گزارشهای برمی گردد که همچون انتخابات دموکراسی را در افغانستان زیر سوال می برد. ۶۲٪ در جریان نوشتن و یادداشت کردن شکایات فوق، نتایج حاصله برخی شکایات باقی مانده که به آن نظر اندازی خواهد شد. اما عامل اصلی در عقب این ادعاهای تقلب، همانا فشار سیاسی آشکار است تا بعضی از نامزدان جهت بدست آوردن پست های مورد نظر، که ازین طریق به اهداف خود نایل شوند. ۶۳٪

موضوع دیگر که نگران کننده است؛ همانا مشاهده نتایج حاصله از مراحل تخنیک انتخابات، و هم مدت زمان موثریت و پایداری قواعد نشان داده شده که به ذریعه آن کاندیدان انتخاب می شوند. نامزدان که به گونه فردی و یا از طریق احزاب منتخب شده در بخش ۵،۲ راجع به ایشان بحث می شود. لکن، ادراک این ضوابط که ذاتاً "دارای وضعیت منفی که با فشار و جبر استوارند شایان یادآوری است.

گاهی ما نمی فهمیم که در کابل چه کسی نقش کلیدی را بازی کرده و قدرتمند است. گونه مثال تمام زورمندان کوشش نمودند تا سپنتا، وزیر امور خارجه را مجبور سازند تا از پست اش کنار رود. و پارلمان نیز او را حمایت نه کرد، ولی هیچکس نتوانست که او را کنار زند چرا کرسی از وی حمایت می کند. ۶۴٪ در مقابل تصمیم کرسی هیچ کسی ایستاده گی کرده نتوانست.

با تأسف توقعات مردم از پارلمان که نامناسب است بر آورده نشده و در عین حال رقابت ها و کشمکش های سمتی، لسانی، زبانی، گروهی و شخصی دوام دارد و برنده کسی است که پول و سرمایه دارد که می تواند این بازی را به پیش ببرد. ۶۵٪

اعضای پارلمان بسیار کوشش نمودند مگر مقامات بلند پایه دولتی به گفته های آنها گوش فرا ندادند. ۶۶٪

تصور شک آور در مورد پارلمان به عنوان یک نهاد، برای شنیدن آواز هم شهریان، نگرانی درین مورد آنقدر حتمی نیست چرا که پارلمان فقط برای چهار سال فعالیت می کند. مگر این کاردلالت می کند، به نه بر آورده شدن توقعات و نگرانی ها در مورد دست آوردهای بالقوه خود و کلاهی پارلمان و به همین قسم نگرانی مردم راجع به دست آوردهای بالقوه پارلمان می باشد. چیزی دیگر احساس شدنی، که شاید بسیار پریشان کننده باشد نسبت به پارلمان و آن همانا رقابت، و مقابل شدن مقامات دولتی و قوه اجرائیه است که در نقل قول دومی در بالا به آن اشاره شد. مثال زنده آن، رای عدم اعتماد به داکتر سپنتا است؛ که این سخن از چندین مصاحبه ها بطور مکرر بیان شد و نشان دهنده شکست علنی پارلمان بوده که از نظر عوام هم مخفی نمانده و شک و تردید های روز افزون را درین باره، و

۵۹٪ در ولایت بلخ شوراهای سران و در ولایت پروان شوراهای علما، موضوع است که ضرورت به درک و فهمیدن دارد. یعنی این شوراها چقدر در تصمیم خود بالای نهادهای رسمی و غیر رسمی دست باز داشته و به چه حد نفوذ اثر دارد و اعضای این شوراها کی ها اند.

۶۰٪ تلاش ها و ترغیب جهت بدست آوردن کرسی های ولسی جرگه متفاوت اند، و می تواند فرصتهای انکشاف یافته را برای حمایت مفاد، بدست آوردن شهرت عامه، و بدست آوردن معاشات بلند حکومتی، در صورت که پارلمان مرجع موثر سیاسی از نظر عامه مورد توجه قرار نگیرد.

۶۱٪ این مصاحبه ها بخش از تحقیقات انتخاباتی بود که توسط AREU به راه انداخته شد. ملاحظه فرمائید: "Parongage, AREU plst-elections brief by Noah Cobrun and AnnaLarson," and a forthcoming AREU discussion paper on this subject (October (Kabul: AREU, August 2009) "2009 Posturing, Duty, Demographics: Why Afghans voted in 2009).

۶۲٪ مرد نماینده از NGO شهر ولایت بلخ.

۶۳٪ معلم در شهر ولایت پروان، درباره اعضای پارلمان اظهار نظری کند و می گوید آنان در تمام جلسات به سوی همدیگر خود بوتل های آب پرتاب می کنند و شواهد در دست است که بعضاً در جریان سخنرانی با افراد هم این کار صورت گرفته است.

طور نمونه می توانید ملاحظه فرمائید: http://www.timesonline.co.uk/tol/news/2006 May 9, Tim Albone, "Woman MP is Attacked in Blow for Democracy", Time Online article 14655 y ece.

۶۴٪ معلم ذکور در شهر ولایت کابل.

۶۵٪ در حقیقت، این غیر عادی نیست در طرح دموکراسی تاسیس شده.

۶۶٪ معلمه، در روستای ولایت بلخ (مناظر با ولسوالی فوق).

گویا تصمیم پارلمان نسبت به تصمیم یک شخص ناکارا ثابت شد.

شوراهای ولایتی منجیت یک پل ارتباط میان دولت و مردم به سویه سیاست ملی و محلی بوده، تا باعث پرکردن خلاها گردد. مگر این نهاد حیثیت خود را اتحادی از دست داده و اعتبار سیاسی آن وابسته به برقراری ارتباطات با والیان ولایات می باشد، که این پروسه توسط فعالین سیاسی بین المللی نظارت می گردد. ۶۷. حکم شوراهای ولایتی مبهم باقی مانده، و تاحال هیچ تصمیم مهم که به سطح مرکز اتخاذ و مرعی الاجراء شمرده شده باشد و انجام نیافته است. ۶۸. در ولایت های بلخ و پروان جواب دهنده گان از وجود شوراهای دینی و سران غیر رسمی حکایت کردند که از اثر نفوذ زیادی نسبت به شورای های ولایتی در مناطق برخوردارند. ۶۹. باوصف، شتاب و عجله در انتخابات سال ۲۰۰۹، توجه زیادی جامعه جهانی به سوی انتخابات شورای های ولایتی جلب گردید، تحقیقاتی که در سه ولایت انجام شد نشان دهنده این امر است که تعداد کاندیدان برای شوراهای ولایت نسبت به سال ۲۰۰۵ افزایش کرده، و هرچه عاجلتر و با شتاب پوسترها تولید و چاپ گردید. در ولایت بلخ هنگامی که تعداد کاندیدان جدید از ۱۹ کرسی معینه اضافه تر شد، بسیاری کاندیدان صاحب رسوخ از دوباره راجستر نمودن نام های شان انصراف، و به کمپاین ولسی جرگه که در سال ۲۰۱۰ صورت می گیرد خود را آماده خواهند ساخت. اثنائیکه، شوراهای ولایتی منجیت یک نهاد وسیعاً "ضعیف در جریان کار کردهای خویش جلوه کند، با وجود این همه کاستیها؛ کاندیدان شوراهای ولایتی منجیت یک سنگ تهداب بالقوه در عرصه های عالی و بلند بخشهای سیاسی تلقی می شوند. ۷۱.

گذشته از این همه سوالات، راجع به وظیفه و منفعت شوراهای ولایتی، مردم را از اشتراک و ورزیدن در انتخابات سال ۱۳۸۸ مانع نخواهد شد. مطابق مصاحبه های که انجام شد؛ که چه کس در انتخابات اشتراک و کدام افراد از آن انکار خواهد کرد؛ درین راستا نقش بارز و تعیین کننده شوراهای ولایتی که آیا مردم به مراکز رای دهی آمدند یا خیر به نظر نرسید. ۷۲. در حقیقت از وظایف قانونی رسمی شوراهای ولایتی به نظرمی رسد درین عرصه کار اندک را انجام داده، تا معلوم کند که چرا مردم رای دادند. همراهی کسانی که مصاحبه صورت گرفت آنها اصرار می ورزیدند تا بعضی اهمیت دادن به نماینده گی محلی و قومی و تهیه خدمات بالقوه آینده، از نماینده گان انفرادی نیز توقع همچو کار گردد.

بطور مختصر، مراحل و محلات که برای نماینده گی سیاسی در افغانستان وجود داشت برای بسیاری قسمت ها به گمان اغلب موثر نیست. که این موضوع از پاسخ های مصاحبه های هویدا شد، که با مردم انجام پذیرفت. زمانیکه، بطور پسنیده از آن تعبیر گرفته نشود فلها باید فسخ شود.

با وجود این، نارضایتی و یاس وسیع مردم در مورد کیفیت نماینده گی این نهادها ظاهر شده که خود یک تصویر بطور فزاینده منفی حکومت داری دموکراتیک را سبب خواهد شد.

۲,۵ نماینده گان : افراد و گروهها

این بسیار مهم است تا نظریات و ادراک عوام را در ارتباط به نماینده گان انفرادی که در سال ۲۰۰۵ انتخاب گردیدند جویا شویم. نقل قول های زیرین که از بسیاری پاسخ ها اقتباس شده حاکی از انتقادات شدید و جدی در مورد اعضای پارلمان تند.

اگر ما به ولایت بلخ نگاه کنیم در زمان نماینده گی ضعیف ترین ولایت بود که حتی رضایت ۵۰٪ مردم را در باره اعضای پارلمان نداشت. تاحال بخاطر ندارم که کدام یکی از اعضای پارلمان از طریق رسانه ها و مباحثات در مورد ولایت بلخ اظهار نظر کرده باشند؛ و علاوه از این اعضای پارلمان وظیفه کمیشن کار را پیش می برد در صورتیکه کسی به معضله دچار شود و نزد اعضای پارلمان جهت حل آن عارض شود آنها پول را مطالبه و در بدل مشکل شانرا در حکومت فیصله می کند. ۷۳. اگر مردم اعضای پارلمان را انتخاب کرده اند، این انتخاب کور کورانه بوده و حالا مردم از این انتخاب پشیمان و توبه می کنند. اعضای پارلمان وعده

۶۷ معلم مرد، در روستای ولایت بلخ.

۶۸ کرسی برای هر ولایت توسط نفوس ابتدائی آن تخصیص داده شده.

۶۹ این عمل با شوراهای ولایتی در برخی درجات واقع خواهد شد. چانس زیاد از طریق معرفی همین افراد به ولسوالی ها تخصیص داده شده که یک الی دو کاندید قوی در ولسوالی در صحنه رقابت می آیند. رای واحد غیر قابل انتقال (SNTV) سیستم رای دهی.

Noah Coburn and Anna Larson, Patronage, Posturing .Duty. Demographics ۷۰

۷۱ این مباحثه قبلاً "از مطالعات AREU پیگیری شده (Larson, Afghanistan New Democratic Parties) که در آن از شیوه تقرب از بالا به پائین استفاده شده (بسیار از پاسخ گویان سران احزاب اند) این رساله مطالعه قبلی را که در آن از شیوه مطالعه از پائین به بالا انجام شده و نظر عامه در مورد نقش بالقوه این احزاب در دموکراسی سازی را تکمیل می سازد.

بطور لازم، درین مطالعه هنگامی که راجع به گروه ها پرسیده می شود تیم تحقیقاتی نتوانستند تا تفاوت های را در میان گروه های مختلف دریابند. مگر منتظر می شویم تا که از لابلای پاسخ ها این تفاوت ها بر ملا شود.

۷۲ احزاب در افغانستان خود را طبق تعریف ستندرد عیار نموده اند و بطور رسمی متشکل از سیستم انتخاباتی و قانونی نبوده و در راستای دموکراسی سازی کاری را به سر نرسانده اند. به پیمانہ وسیع به اساس پایه های قومی و شخصی بنا یافته و به مرام نامه فکری در تضاد واقع اند. و اگر در صحنه بدرجه بزرگتر و یا کوچکتر فعال اند می توانند نفوذ چشمگیری که می توانند شبکه حمایتی رای دهنده گان را تهیه و به نفع خویش بچرخاند. جهت تحلیل و تجزیه بیشتر احزاب افغان و تاریخچه آنها ملاحظه فرمائید: (Rutting Islamist, Leftists and a Void in the Center).

۲۰۰۹ August ۸ available at www.crisis.org (Accessed, ۲۰۰۵ June ۲۹, ۲. International Crisis Group, "Political Parties in Afghanistan," Asia Report No ۳۲

مساعادت های را با بیوه ها، ایتم ، جوانان ومکاتب کردند که همه این وعیدها بجزدروغ چیزی بیش نبود.اعضای پارلمان هیچگاه نظرواحد ومتفق نبودند ودرپارلمان همدیگرخویش را توسط بوتل های آب میزنند . ما نظیر این پارلمان را نمی خواهیم زیرا که با مردم وعده سپردند تا برای معلمین شهرک های را ساخته وضمناً معاش معلمین را افزایش دهند. ولی برعکس به خود خانه ها ساختند وتقاضای مبنی برافزودی معاشات شان نمودند.۷۴

تمام اعضای پارلمان برای منافع شخصی،جمع کردن پول وحفظ موقف های شان تلاش به خرج میدهند.هیچگاه نخواستند تا مصدرخدمت به جامعه شوند. درصورتیکه با مشکل مواجه شویم بدبختانه ازطرف آنها معاونت با ما صورت نه گرفته واوشان درتجارت خویش سرگرم وغرق اند.۷۵

دربسیاری ازحالات ،اعضای پارلمان زیرانتقاد رفتند بخاطر به سرنسازندن وعدهای که درزمان کمپاین بامردم سپرده بودند. وهمچنان تقاضا خدمات عملی کلیدی ، نقش واقعی آنها که آیا آنان قانون سازاند، یا تهیه کننده گان خدمات ، مردم را درتشویش افکنده است. درپاسخ های دیگرمنطق روستایی بطورعموم نه بطورخصوصی تمایل زیاد موجود بود تا سیستم های انتخاباتی وپارلمانی را به قلت ونارسی نماینده گی اصلی واساسی متهم وملامت کنند.

این سیستم به نسبت کمبود نماینده گی ، واستدلال که توسط خود افراد به میان آمده ودراَن نقش اعضای پارلمان رایبان کردند یعنی پیش کردن منافع است که این درتضاد با عرضه خدمات است. تا هنوز دیگرپاسخ دهنده گان مانند نقل کننده فوق، راجع به فقدان موجودیت به ارتباط انتخاب کننده ها تبصره کردند.

در بسا گزارشات که از مصاحبه کننده درمناطق دهاتی تهیه شده؛ نماینگر این قضیه بود که اززمان کمپاین سال ۲۰۰۵ دیگرآنها قادر به ملاقات کردن با اعضای پارلمان نشده اند. نه الضای پارلمان و نه ولسی جرگه کارنیک انجام داده اند. ما فقد آنها را درزمان کمپاین ملاقات کرده ایم بعد ازآن هیچ کدام شان را درولسوالی نیامده تا ازمشکلات مردم آگاه شوند.۷۶

به این شیوه ،درجوامع شهری ودهاتی هردو ارتباطات مقطوع بین انتخاب کننده گان ونمایند ه گان منتخب شان توضیح وبیان شد. بطورقابل ملاحظه ،تنها این خلا آشکارنیست که نبود ارتباط مردم را با نماینده گان آنها،که این موضوع توسط مردم مطرح و ایراد گردید. وحتى بعضاً آنها درمورد هویت نماینده گان که باید کی ها باشند نگران اند. که این موضوع درپاسخ های ازولایت بلخ روشن می گردد.

ما هیچ نماینده درپارلمان نداریم، مگرمن درمورد ولایت بدخشان بعضی معلومات دارم.آنها شخص رادرپارلمان دارند؛ مگرشخص مذکوربه مردم خود کاری نکرده ، من آن اعضای پارلمان را میشناسم که نمی خواهند خدمت کنند، وصرف خود شان را تغذیه می کنند.

نماینده مردم باید ازبین خودمردم باشد، نماینده خواه مرد باشد یا زن درمیان مردم زنده گی کنند تا مردم اورا بشناسد. آنان باید معضلات مردم رادرک کنند. ولسوالی ما که ازپرنفوس ترین ولسوالی های ولایت است؛ ما نماینده درپارلمان نداریم.

درجریان حکومت داری کزری تمام توجه به مراکز ولایات جلب شد.تمام مساعادت های که آمد با مراکزولایات صورت گرفت. این درحالیست که ولسوالی ها کلاً بی خبراند؛ هیچ یکی درمورد ولسوالی ها فکر نکرد حتی تمرکزوالی هم بالای مرکز ولایت است. تا ازین طریق به جامعه جهانی نشان دهد که آنها بسیارفعال اند؛ دراصل اکثریت مردم رافراموش نموده اند؛ اعضای پارلمان همچنان برسرمایه ولایتی تمرکزدارد.درانتخابات گذشته اعضای پارلمان به سطح ولایت تعیین گردیدند ، بنا برین ولسوالی ها ازنظرانداخته شدند.این کارسبب شد تامردم به سبب عدم داشتن معلومات کافی، نماینده گان خوب را تا بد تفکیک نتوانند. وقتیکه برای این ولایت ۱۱ کرسی دنظرگرفته شد، پاسخگوی نخست که درفوق تذکراد که با هیچ کدام شان معرفت ندارد. پاسخ گوی دومی اظهارنظرکرد درمورد کمبود نماینده گان محلی درپارلمان ؛ باوجود درک این حقیقت که اشخاص انتخاب شونده درپارلمان به سطح ولسوالی ها نه ، بلکه درسطح ولایات تعیین می شوند. این سودمند خواهد بود تا بالای طریقه اصراروپافشاری شود تا تصویر اصلی وواقعی را درک ؛ وبه سطح مرکزی نقش رالیا؛وآن ساختارهای که درمحرقات توجه نگرانی های مردم قراردارد؛ و برای هیچ یکی قابل قبول نمیتواند باشد؛ تا مردم بطورکامل با آنها شناسایی ومعرفت نداشته باشند. که این حالت درجامعه اکثرأ دراوقات عدم ونبود آشنائی وشناسائی اظهارمی شود.

این نوع تصویرفراگیرسیاسی ومحلی درافغانستان به روزهای انتخابات طی مصاحبه های اظهارگردید. ودرنتیجه دلایل مبنی بر رای دهی که به حد زیاد متمرکز ومجتمع بود ،نسبت به آن چیزی که رسانه ها به گونه مثال درمورد مقاومت دسته جمعی علیه طالبان توصیف وتصویرداده بودند.

پاسخگویان درمورد رای دهی گفتگوکردند ورای خویش را برای رهبران جامعه وسران قوم که آنها با مشکلات شان معرفت وبلدیت دارند می دهد. بهرحال ، این عمل درتعداد کاندیدان سد واقع نخواهد شد و برای عین رای دریک منطقه رقابت می کنند که این کارباعث منقسم شدن آرا گردیده درپایان امر هیچ یک از کاندید برنده نمی شود. که این کارمنتج به نگرانی افغانها درمورد عدم حضور شان درشوراهای ولایتی خواهد گردید. درکنارنظریات انفرادی نماینده گان ، این مطالعه همچنان نظریات عامه گروهی سیاسی ونماینده گی آنها را آشکارمی کند. مطابق باورهای عمومی ، گروهادرافغانستان ازشهرت واعتبارخوب بنا

۷۴ شاگرد ذکور، روستای ولایت پروان.

۷۵ معلمه ، درپوهنتون بلخ.

۷۶ معلمه ، روستای ولایت پروان.

برسپهیم بودن شان در جنگهای گروهی داخلی و فرقه یی برخوردار نیستند. این سخن در برخی از پاسخ های که نشان دهنده روش و رویه درست آنها در قبال این گروهها است دلالت می کند.

گروههای مختلف موجود است، و برخی آنها از کاندید مشخص حمایت میکنند. اگر یک شخص رئیس جمهور تعیین شود پس تمام افراد حزب خود را در کنار خویش تعیین می کند. که بعداً "درگیری میان حزب وی و رقیب بازنده او آغاز می شود.

حزب های کشور ما ادعا دارند که احزاب سیاسی اند، ولی در حقیقت این چنین نیست اینها گروه های نظامی هستند. و زمانیکه آنها بخواهند سیاستمدار باشند خود را به گروههای قومی تبدیل می کند. بدبختانه در افغانستان هر عمل به گونه افراطی است و احزاب هم افراطی اند.

درین منطقه اثر و نقش از احزاب سیاسی نبود بنا برین ما انتخابات صلح آمیز داشتیم. در شهرها برعکس بود احزاب مردم را ترغیب می کردند تا به مفادات حزب شان رای دهد. گفته می شود، نظر بسیار دقیق راجع به سیاست احزاب معلومات بیشتر که به ارتباط این قضیه جمع آوری شده هویدا و آشکار است، احساس عمومی منفعت بالقوه این احزاب منحیث بازی کنان سیاسی عام است. اگر چه تنبیه قانونی پیگیری شده، به اساس اینکه در افغانستان احزاب خام و نارس اند تا این نقش را ایفا کنند.

دستور کاندیدان بی شمار و حوزهای رای دهی که در آن کاندیدان خود را در جلو قرار می دهند و خطر تقسیم شدن رای عامه را در قبال دارد. بالاخره هیچ یکی از کاندیدان موفق به کسب فیصدی که برای موفق شدن است بدست نمی آورد.

به نظر من، احزاب بد نیستند. زمانیکه آنها برای یک مفکوره خاص کار کنند پس خوب اند، با تأسف باید گفت که در افغانستان احزاب برای فایده خودشان کار می کنند و سرگرم منافع شخصی خود اند. اگر اینها برای منافع ملی کار کنند یعنی در عرصه های معارف نمونه وی، صحت و غیره ...

این کار خوب است، ولی اینها چنین کار نمی کنند. فعلاً تمام مسایل لسانی است که این اختلاف باعث شده تا مردم ناراحت باشند. مردم نظریه سابقه کاری احزاب، از آنها خاطر خوش ندارند. مگر احزاب که در آوردن صلح و صفا نقش بازی کنند درست و قابل قبول اند. احزاب در میان مردم افغانستان نقش بسزای ندارند. بر آنها است تا از معضلات مردم خویش با خبر شوند؛ و آنها را با دولت معرفی نموده و مشکلات شان را به مراجع مربوطه راجع سازند. که درین صورت احزاب جایگاه اصلی خویش را در میان مردم دریافت خواهند نمود. مگر حالا احزاب در ساختن پالیسی های دولت هیچ نقش ندارد. سپس مردم به پذیرش این احزاب حاضر نیستند. لکن در کشورهای دیگر احزاب در ساختن پالیسی های حکومتی سهمیم بوده؛ و به همین مبنا به تقاضا و مشکلات مردم رسیده گی کرده می توانند. شکایت عمده از احزاب افغانستان مشتمل با تعداد فراوان آن، مرامنامه مشابه، کمبود قابلیت، نبود بنیاد فکری، تمرکز قومی، و عدم "منافع ملی" اند. آخری به نظر مهر ثقه میگذارد، که گویا احزاب فعالیت می نمایند و به فرقه پرستی از زاویه قومی دامن می زند. به رغم اینکه مردم را به وحدت ملی دعوت کنند.

اگر احزاب سیاسی متحد شوند کار احسن است ولی این احزاب چنین نیستند، اینها در مقابل یکدیگر شان جبه می گیرند.

ما احزاب زیادی را تجربه کرده ایم که به راه غلط سوق شده بودند. در گذشته احزاب برای خودشان کار میکردند نه برای مردم. در افغانستان در عین زمان یک قدرت سیاسی باید موجود باشد نه چندین قدرت. وزارت عدلیه باید به احزاب که مفکوره ملی دارند؛ برای افغانها کار کنند و دوزار تصببات قومی؛ لسانی و غیره باشد. حال شاهد وضعیت استیم که احزاب فقط برای مفادات خویش مصروف داد و ستد استند و ضمناً میان شان هماهنگی هم وجود ندارد. ۷۷

این تنفروبیاری عمومی در بدل رقابت های سیاسی میان گروههای سیاسی، این را واضح می سازد که ناراحتی زیاد و ضدیت سیاسی بطور مجموعی عرض اندام کرده است. این می تواند که از یک سوبه واقیعت ارتباط میگیرد که در افغانستان، سیاست ها پیروز اکثراً" به طور چشمگیر برنده شوند همه را در اختیار گرفته و شکل سیستم هسته یی را بخود اختیار میکنند. و به فرهنگ ترغیب نمودن حامیان خویش میتواند خطر فزاینده را متوجه وضعیت کشور سازند. ۷۸ از جانب دیگر در کشورهای که سیاست توافق و تطابق معرض اجرا قرار می گیرد، به تصامیم نهائی تا وقت دست نمی یافند تا وقتی که هر بازی کن سیاسی حاضر و قانع نگردد هیچ دست آورد وجود ندارد یعنی توافق دوجانبه حتمی است. ۷۹ اصول اکثریت که اداره در دست اش است و مخالفت زیاد تر معمولاً" در حالت عمومی که درین صورت ضرورت است تا از مخالفت هم جلوگیری بعمل آید. ضدیت که بطور اختلاف سیاسی آغاز می شود میتواند افزایش یابد و منجر به درگیری خشن شود.

از درگیری های اخیر میان احزاب سیاسی نتیجه بدست آمد، این نگرانی قابل درک، حقیقت را عیان کرد که در تاریخ سیاسی افغانستان طی قرن ۲۰، نظیر همجو مخالفت های سیاسی صلح آمیز دیده نشده است. گرایش و تمایل جهت انتخاب گروه یا کاندید که طی رقابت به شیوه منفی انجام می شود بطور کل قابل تحیرو تعجب نیست. روی هم رفته؛ این گمان به سوال برمی گردد، که دموکراسی سازی در کشورهای بعد از جنگ یک فشار پایدار خواهد بود. و در کنار این، تشویق به رقابت های گروهی که میتواند در عرضه دموکراسی سازی، و مدل ساختن سیستم های سیاسی در ترویج دموکراسی مشروقات خواهد شد.

۷۷ معلم، روستای ولایت کابل.

۷۸ طوری مثال، والی ولایت بلخ به همراهی عبدالله عبدالله ایستاده گی کرد، بخاطر مخالفت با کرسی، آیا از دست پست اش به مفهوم این بود که باید کرسی در انتخابات برنده شود.

۷۹ در حالیکه این یک بیانیه بسیار عمومی است، تحقیق برای این مطالعه، توافق و رضایت، مبنی بر تصمیم گیری در جوامع متفاوت نژادی و جغرافیای مدرک رادریافت نمود.

لاکن این نکته را در حساب نمی گیریم که گویا احزاب در تفرقه اندازی میان گروهها اصرار می ورزند و در شعله و رساختن این تفرقه با استفاده از نام سیاست و فشارها عامل اصلی اختلاف میشوند. ۸۰

در مورد ارتباط نداشتن آنها به نماینده گی در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ سخن در مورد منحل شدن گروه های سیاسی، به زبان نباید آورد. گروهها درآمده کردن جناح ها جهت حمایت از کاندیدان خواه به شکل رسمی بود یا غیررسمی با آنها ضم شده، با وجود شرایط ناپسند ظاهری در قبال احزاب و سیستم رای دهی انفرادی، که این شیوه برای برخی از احزاب معین از یک ارزش خاص، اظهار کردن وابسته گی سیاسی و هویت برخوردار بود. ۸۱ که این عمل در وجود گروههای مجاهدین دیده می شد آنها به طور فعالانه درآمده کردن حمایت قومی و مذهبی شبکه های رای دهی، که این کار در تغییر سرنوشت درجات پیروزی نقش بسزای داشت. ۸۲ اگرچه، پاسخ های در مورد مطالعه باقی مانده؛ درباره بسیاری احزاب به شکل آشکار در برخی قسمت ها انتقادات مبنی بر فعالیتهای شان، و هم توانایی اینها که بتواند بشکل مستقیم نماینده گی از منافع ملی کند موجود است.

۳،۵ نماینده گان که به صحنه خواهند آمد کی ها اند؟

نکته نهایی که قابل ذکر است و این سوال که چی کسی واقعا" شایسته نماینده گی در سیستم دموکراتیک افغانستان است، در حالیکه در برخی از پاسخ های روستایی این سخن بر ملا شد که افغانها منحیت افراد مستقل حق انتخاب کاندید شان را دارد. و معلومات دیگر که از روستاها بدست آمد؛ عده زیادی در مورد رای دهی به شکل دسته جمعی سخن می گفتند.

(در انتخابات گذشته) ما معلومات را از نماینده گان قریه بدست آوردیم . وبعد تصمیم گرفتیم که به کدام کاندید مناسب رای دهیم. ۸۳

ما می خواهیم به داکتر عبدالله رای دهیم که این موضوع را همراهی اعضای فامیل هم مطرح کردیم؛ چراکه داکتر عبدالله در افغانستان بوده جهاد نموده و درباره افغانستان درک دارد. در قریه جات مردم بسیار ساده اند . از همین خلا آنها احزاب استفاده کرده کارت رای دهی شان را جمع آوری کرده و در انتخابات بعدی به کار می برد. افغانستان نوع از جامعه دسته جمعی بوده، در اینجا قبیله ها، گروه ها و دسته های مذهبی به شکل منطوقی به سیستم قریه زنده گی دارند. مردم افغانستان طوری که سران و بزرگان شان هدایت و دستور میدهند همانگونه عمل می کنند. یک از اصول دموکراسی اینست هر کسی که صاحب عقل است خود مختار است .

دولت باید موثر باشد و به هیچ گروهی وابسته نباشد. در حکومت های دموکراتیک تنوع نظریات باید تشویق گردد و تمرکز بیشتر باید به افراد شود نه به گروهها؛ در نظام دموکراسی هر فرد حق دارد تا ابراز نظر کند.

تعداد از عوامل است؛ که در تمایل واضح به سوی رای دهی دسته جمعی می تواند ممد واقع گردد . طوری که نظریه وضعیت جامعه افغانی، در پاسخ چهارم فوق محسوس شد . و این نظر به اندازه از معلومات بدست آمده مناطق دهاتی، که در آن یک احساس دسته جمعی رضایت و تصامیم مجموعی درباره کاندیدان انتخاباتی به نظری آمد، حاصل شد. در حقیقت، بر بنا اشاره پاسخ فوق این امر فردی سازی آنقدر که گمان برده می شود آسان نبوده و به مانند فرد سازی که در غرب به دیده احترام به آن نگریده می شود عملی شود. این عمل در میان جامعه افغانی به پیمان و وسیع نگران کننده است از اینکه عده زیادی از نفوس افغانستان بیسواد بوده و به ذریعه جبر و فشار توسط سران قومی به کاندید که سران قومی با آنها معامله کرده اند به رای دادن به آن سوق می کند. فلها، از طرف برنامه تساو و چگونگی سیاست دموکراسی سازی عین سهم رای دهی به شهروندان داده می شود؛ صرف نظر از اینکه در مورد میزان بیسوادی، و فشار بالاقوه بالای بیسوادان توسط قوماندان غارتگر فکر شود، که این خود میتواند عامل مشکل آفرینی شود.

این گفته می شود، موضوع همیشه مشکل آفرین است، از اینکه علت در مورد کلتور افغانستان نسبت داده شود این در حالیکه که نفوس این کشور بطور پراکنده به سر می برند.

این هم مهم است که به آن توجه مبذول باید داشت یعنی اثرات سیستم انتخاباتی بالای اشکال رای دهی، و به راه انداختن اشکال رای دادن انفرادی، و اصرار بالای انگیزه های که کاندیدان ذریعه آن می توانند کمپاین نموده تا که در تمام قریه جات آرا را به خود اختصاص دهد. به سبب شرط حوزه چندین عضو، کاندید مکلف با بدست آوردن فیصدی بلند در قریه که برایش داده شده نیست بلکه بیشتر به این نیاز دارد تا به فیصدی زیاد در میان کاندیدان واقع گردیده و برای کرسی های که به این ولایت تخصیص داده شده برنده شود. از این رو دوباره بر می گردیم، به یک ولسوالی و بدست آوردن حمایت دسته جمعی از یک یا

۸۰ معلم، ازدهات ولایت بلخ.

۸۱ متعلمه، از شهر در ولایت بلخ.

۸۲ دوکاندار، در شهر کابل.

۸۳ Parliamentary elections in order ۲۰۰۵ In Wilder. A House Divided, Ethnic groups in Kandahar and Herat are found to have mobilized collectively during the .to try and take advantage of the SNTV system

دوقریه؛ بر بنیاد آشنایی و شناسائی در مورد قریه که این عمل باعث بدست آوردن آرا زیاد شده و سبب موفقیت وی می گردد. گذشته ازین، اگر کاندید از منطقه بوده و یا در منطقه با اشخاص بارسوخ، سران قوم و دیگر اعضا جامعه در تماس باشد نامبرده می تواند به هر شیوه که بخواهد؛ ولو به زور و جبر باشد میتواند آرا مردم را از آن خود نماید.

پس ضروراً، "دموکراسی در افغانستان بطور واقعی عملی میشود یا عملی کردن مراحل رای دهی که در این کشور بصورت توافق عمومی به میان می آید که افغانستان باید به همین طور اعتراف کند.

گذشته ازین؛ به نظرمی آید بدون در نظر داشت سیستم رسمی انتخاباتی، رای دهنده گان در افغانستان به طرق اجتماعی آماده رای دهی خواهند شد در صورتیکه این شیوه در حمایت و کامیابی کاندید مورد نظر بسیار مفید ثابت شود. به هر صورت، مسله کلیدی این نیست که چطور افغانها رای میدهند، بلکه این خود افغانها اند که در سراسر کشورشان توانایی دارند تا در مورد خود و منافع خود توجه کرده که آیا انتخابات انفرادی و یا مجموعی بطور کافی قابل نمایش است.

۶. اختتامیه

دموکراسی اغلباً یک پدیده بذات خود مفید در مورد پیشرفت سیاسی؛ اجتماعی و اقتصادی دولت هاست. که همچو دموکراسی سازی به پیمانانه وسیع از طرف جامعه جهانی منحصیث کارکرد عالی ترقی داده شده، و همچو حالت در افغانستان، جائیکه بعد از جنگ؛ به مراحل دموکراسی سازی توجه مبرم ملی و جهانی معطوف گردیده، توجه اندکی به مفهوم این کلمه در افغانستان شده.

با این همه، معلومات بیشتر ضرورت است، تحقیقات اساسی با کیفیت که جهت این مطالعه در سه ولایت افغانستان براه انداخته شد؛ که طی آن راجع به سطح پذیرش این گونه مراحل دموکراسی سازی کاهش در میان شهروندان بنا بر علل متعددی رونما شده است.

عامل نخست، این دموکراسی را بطور چشمگیری با دموکراسی نوع آزادی فردی غربی مرتبط دانسته، که در فاصله با نورمهای مذهبی و کلتوری واقع است. اگر ارزشهای آزاد در افغانستان ادامه بیابد با توجه با اینکه بالای افغانها تحمیل شود، پس درین صورت به حد زیاد انکار و ابا، بشکل مجموعی از مراحل دموکراسی و به آن به دیده فرهنگ غربی نگاه کردن، از آن دوری خواهند جست. عامل دومی، سراسیمه گی وسیع درباره فواید که دموکراسی می توان آنرا آورد، توقع از عملی کردن قانون ولی به ناکامی منجر شدن آن، پیشرفت اقتصادی، و مایوس بودن مردم درباره وخیم شدن اوضاع امنیتی عنوان شده است. و ضمناً نگرانی ها راجع به ترغیب رقابتهای چند حزبی که و مخالفت سیاسی سبب بد خواهد شد.

عامل سوم، نماینده گی دموکراتیک به سویه عالی ذاتاً دارای عیب است. به سبب نارسائی و فریب محسوس شونده بالای مراحل رسمی نماینده، و نماینده گان منتخب اثر نفوذ خواهد کرد.

در نهایت امر، نبود ارتباط اساسی میان حکومت و دولت بوده که به این شیوه شکل رسمی نهاد دموکراسی نیست.

با وجود این همه عوامل، خواهش و تقاضای وسیع راجع به سهیم شده عامه در مراحل دموکراسی از مطالعه در سه ولایت هویدا شد. مفکوره اشتراک در دموکراسی و خود مختاری حکومت تا هنوز در ملاحظه عالی قرار دارد. که این عمل در انتخابات دوردوم سال ۲۰۰۹ قابل باور نبود. و حالا عملکرد بطور آشکار برای دهنده گان کم، و ادعا های دروغین آنها برملا شد. مگر با وجود این هم افغانها خواهش دارند تا در انتخابات حصه بگیرند؛ و حکومت را انتخاب کنند که نتایج حاصله آن به پیمانانه وسیع گمان برده می شود که از قبل تعیین شده اند. و همچنان اشتراک در آن ممکن به قیمت سر آنها تمام شود. در واقعیت این آزمون برای افغانها دموکراسی و اصول دموکراسی را به بار نیاورد.

همراه با آنان که راجع به این مطالعه مصاحبه صورت گرفت اذعان نظر کردند که سیستم حکومت دموکراتیک ضرورت به زمان دارد و بطور فوری و عاجل محال است.

این یک نکته مفید مورد توجه، برای اعضای جامعه جهانی خواهد بود، که میخواهد که انتخابات سال ۲۰۰۹ را منحصیث بخش مهم حکومت داری دموکراتیک در کشور به تصویر بکشد. دموکراسی و دموکراسی سازی در افغانستان در برگیرنده مدت طولانی، خوش آیند و مراحل با ارزش خواهد بود. که یک بار دیگر موافق با نظریات افغانها به تشریح ضرورت دارد.

نسخه چاپی این کتاب به طور رایگان در دفتر این اداره موجود است

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
جاده گلروشی (نیش سرک ۲)
شهر نو
کابل، افغانستان
تلیفون: ۵۸۴ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+
ایمیل: areu@areu.org.af
وب سایت: www.areu.org.af

